



قرآن شریف

با

ترجمہ و تفسیر کاہلی

۱

مقدمه

این قرآن مجید که معهُ ترجمه و تفسیر آن است، در افغانستان بنام **تفسیر کابلی** شهرت دارد اما در حقیقت نام اصلی آن **تفسیر عثمانی** است.

ترجمه و تفسیر این قرآن پاک را که عالم شهیر حضرت علامه مولانا شبیر احمد عثمانی (رح) "اهل هند" و عالم شهیر مولانا محمود الحسن (رح) "دیوبندی - اهل هند" نوشته بود، توسط حضرت شاه عبدالقادر (رح) و مولانا محمد قاسم (رح) به زبان اُردو ترجمه شده و بعداً تحت نظارت علمای فاضل و مُمتاز افغانستان از زبان اُردو به زبان دری ترجمه و تدوین شده است. آنها این میوهٔ قیمتی را در اختیار افغانهای مسلمان و مُتدین قرار داده اند تا آنها از آن مستفید گردند و در زندگی مسیر درست را انتخاب کنند.

روح مترجمین و مُفسرین آن شاد و جایشان بهشت برین باد!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

(هَرَّائِيْنَه) ما (الله) فرو فرستادیم قرآن را و هَرَّائِيْنَه (بدون شک) ما او را نگهبانیم (۹).

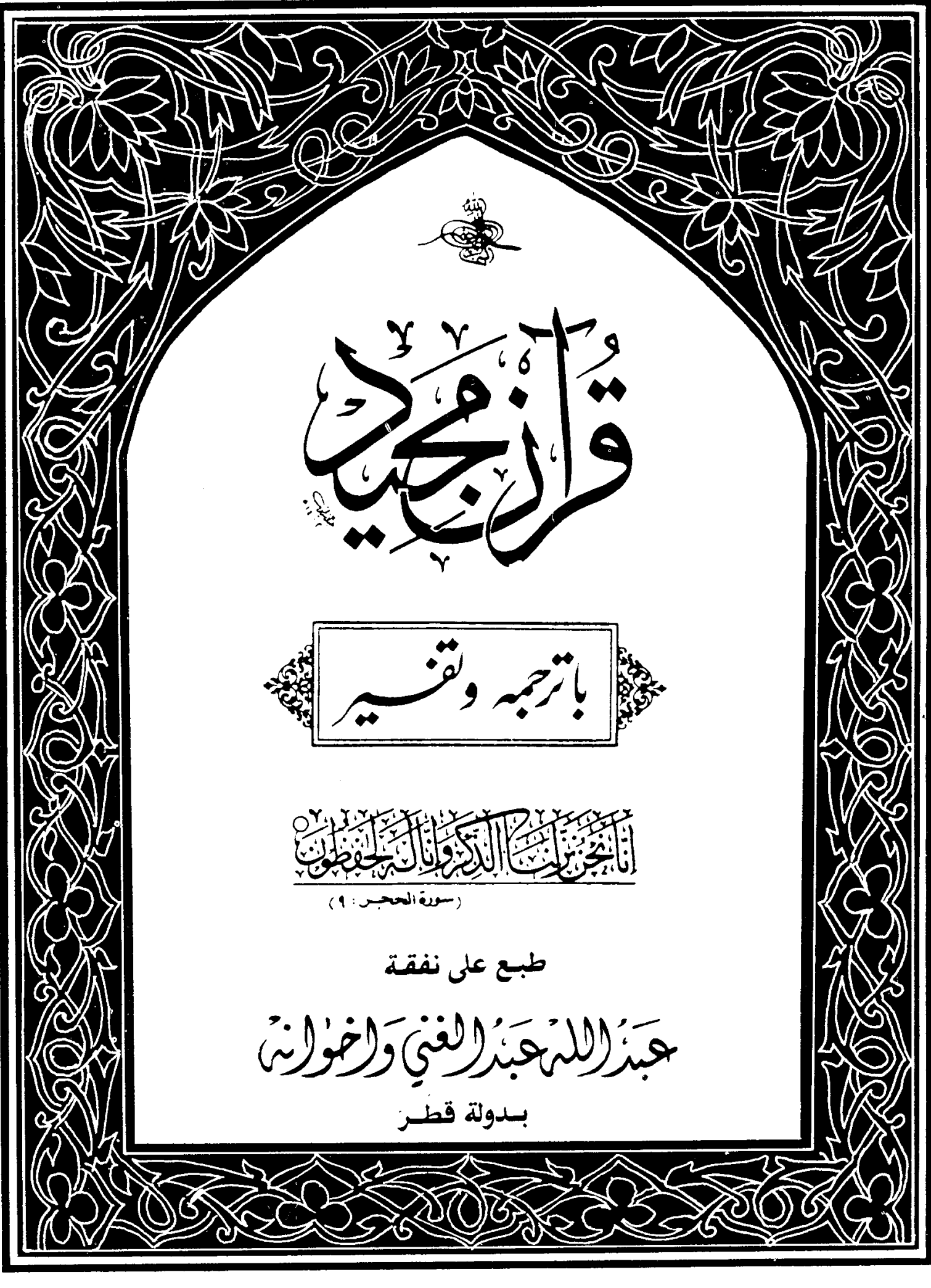
آیت فوق در سورهٔ پانزدهم (سورهٔ حَجِر) است.

(حَجِرِ وادی ای است در میان مدینه و شام و اصحاب حَجِرِ قوم ثمود را گوید)

قابل یادآوریست که هر صفحهٔ این قرآن عظیم الشان نسبت به اصل آن که ۱۰۰٪ بود تا ۱۳۵٪ کلانتر شده است.

ترتیب کنندهٔ این سپاره: محمد هاشم معلم زبانهای دری، پشتو و فارسی در سویدن

۲۰ - ۰۳ - ۱۳۹۲ هجری شمسی مطابق به ۱۰ - ۰۶ - ۲۰۱۳ میلادی



قرآن مجيد

بترجمه و تفسير

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَابَّالْجُودِ

(سورة الحجر: ٩)

طبع على نفقة

عبد الله عبد الغني واخولنا

بدولة قطر

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ

پناه می‌برم به الله از شرّ شیطانِ رانده شده
(شیطان که از رحمت خدا دور شده)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوندِ بخشندهٔ مهربان

سپارهٔ اول (۱)

جزء اول

منزل اول

سورة الفاتحة مكية وهي سبع آيات ، نزلت بعد المدثر

سورة فاتحه هفت آیه ومکی است

بعد از سورة مدثر نازل شده .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ○

آغاز میکنم بنام خدائیکه بی اندازه مهربان ، نهایت باوحم است .

تفسیر : رحمن و رحیم هر دو صیغه مبالغه است اما در « رحمن » نسبت

به «رحیم» مبالغه بیشتر است. دراین ترجمه تمام این دقایق رعایت شده .

الْحَمْدُ لِلَّهِ

همه ستایش ها مر خدایر است .

تفسیر : نیکوترین ستایشها و بهترین محامدی که از ازل تا ابد شده -

و خواهد شد خاص بحضرت الهی سزاوار است، زیرا آفریننده اشیا و انعامات

و بخشنده عطایا حضرت اوست و عطای او عام است که بلا واسطه بخشد یا

بواسطه دیگری بخشایش کند مثلاً کسی از فروغ خورشید متمتع میشود ؛

یا از حرارت او برخوردار میگردد ، این انتفاع و برخورداری از فیض خورشید

است نه از روشنی گرمی .

حمد را با تو نسبتیست درست

بردر هر که رفت بر در تست

ترجمه «الحمد» تنها به این جمله که (هر نوع ستایش خدایر است) موجز

و نارساست علماء به تقصیر آن معترفند .

رَبِّ الْعَالَمِينَ ①

آن خدائیکه پروردگار عالمیان است

تفسیر : مجموعه آفریدگانرا عالم گویند اذین جهت است که عالم به صیغه جمع ذکر نمیشود .
اما جمعیت آن در اینجا برای توضیح از هر جنس عالم است چون : عالم جن عالم فرشته عالم انسی و غیره تا نیک روشن گردد که همه افراد عالم آفریده حضرت الهی (ج) است .

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ② مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ③

بی اندازه مهربان ، نهایت بارحم خداوند روز جزاست

تفسیر : تخصیص روز جزا بدان جهت است که در آن روز حوادثی مدعش وعظیم رود و چنان باشد که بدان هیبت وعظمت نه روزی گذشته باشد و نه باز بیاید ، روزی که جز ذات اقدس کبریائی دیگری راهیچ گونه سلطنت واقتماری نباشد . «لَمَنْ الْمَلِكُ الْيَوْمَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» .

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ④

خاص ترا میپرستیم و خاص از تو یاری میخواهیم

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑤

بنما برایا راه راست

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝

راه کسانی که انعام کرده برایشان

تفسیر : کسانی که به نعمت پروردگار نایل شده اند چهار طبقه می باشند : پیغمبران - صدیقین - شهداء - صالحین . این اقسام در قرآن دیگر جا تصریح شده مراد از مغضوب علیهم یهود ، و مطلب از ضالین نصاری است که آیات و روایات متعدد بتائید این مطلب شاهد است . بازماندگان صراط مستقیم دو نوع اند : آنانی که بجهالت و نادانی از راه باز مانده اند و آنانی که عالما و عامدا تمرد ورزیده اند - گمراهان امم ماضی و آینده ازین دو نوع خارج نیستند ، ملل نصاری در نوع اول و یهود در نوع دوم مشمولست .

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝

و نه آنانی که غضب کرده شده برایشان و نه گمراهان

تفسیر : خداوند این سورة عظیم را بزبان بندگان خود فرمود تا بندگان ما چون بیارکاه ما تشرف و حضور حاصل کنند از حضرت مابدین سوال نیاز کنند . ازین است که این سورة را تعلیم المنسئله نیز نامند و بدین مناسبت در خاتمه فاتحه گفتن آمین سنت قرار داده شده کلمه آمین از قرآن مجید خارج و معنای آن چنین است (الهی اجابت کن دعای ما را) یعنی ما را به بندگان که مقبول بارگاه تواند پیرو ساز و از کسانی که فرمان تو نمیپروند دور گردان - پس نیمه اول سورة فاتحه خداوند را ثنا و ستایش و نیمه دوم بندگان او را نیاز و دعاست فایده : غیر المغضوب بدل «الذین» میباشد یا صفت او که این ترجمه مناسب آن است اما در بعضی تراجم دهلویه این آیت را نوعی ترجمه کرده اند که با ترکیب نحوی مخالف و با مقصود منافست .

(سوره البقرة مدنیة الآية (۲۸۱) فنزلت بمنی فی حجة الوداع وهی مانتان وست
وتمانون آية واربعون ركوعا : نزلت بعد «المطففين» عدد تلاوتها (۲)
عدد نزولها (۸۷)

(سوره بقره در مدینه فرود آمده بدون آية (۲۸۱) که در سال حجة الوداع
در منی نازل شده و وصلو هشتاد و شش آیت و چهل رکوع است در تلاوت (۲)
و در نزول (۸۷) سورة میباشد)

۲۸۶ آیت



التم

تفسیر : این حروف را مقطعات گویند - معنای اصلی آن را دیگران پیبرده
نمی توانند بلکه رازی است در میان خدا و پیغامبر وی (ص) که بنا بر
حکمت و مصلحتی آشکارش نکردند . آنچه از بعضی علماء در معنی آن
منقول است خاص به قصد تمثیل و تنبیه و تسهیل می باشد - نه اینکه
ارادة الهی (ج) چنین بوده است . کسانی که این تعبیرات را رای شخصی
میبندارند و به تردید آن می پردازند اندیشه خود آنها اندیشه شخصی
و تماماً با تحقیق علماء مخالف است .

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ

این کتاب نیست هیچ شک در آن

تفسیر : هیچ شبه نیست که قرآن کلام الهی (ج) و مندرجات آن همه
راست و واقعیست .

اشتباه در کلام بطریق وارد میشود یا در خود کلام خطا و خللی یاد در ادراک
سامع فساد و فطوری میباشد ، در صورت نخست خود کلام محل ریب
خواهد بود و در صورت ثانی البته ادراک داننده آن . این کلام حق و راست
است اگر چه در نگاه کسانی که نمی دانند به جهت فتور ادراک ایشان محل
ریب معلوم گردد ، در این آیه ریب صورت نخست نفی گردید و این شبه
نیز منتفی شد که کافران قرآن را کلام خدا و سخن حق و راست نمیدانستند
و در آن ریب و انکار داشتند پس نفی ریب چه معنی دارد اشتباه
صورت دوم پس ازین ذکر شده «وان كنتم في ريب مما نزلنا باليه» .

هُدًى

راهنماست

تفسیر : ازین جا تا پایان قرآن جواب «اهدنا الصراط المستقیم» است که از سوی بندگان نیاز شده بود .

لِّلْمُتَّقِينَ

ترسندگان (پرهیزگاران) را

تفسیر : این کتاب راه می نماید آن بندگان را که از خداوند خوف دارند . ترسندگان از خدا در تجسس امور پسندیده و ناپسند (اطاعت و معصیت) می باشند اما کسیکه از فرمان الهی (ج) سرباز می زند و دلش از خوف خدا تهیست نه در اندیشه طاعت باشد و نه از معصیت بیم کند .

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

بچیزهای نادیده

ایمان دارند

آنانیکه

تفسیر : آن چیزهاییکه از عقل و حواس ایشان نهانست مانند دوزخ، بهشت فرشتگان و غیره تمام این اشیاء را بارشاد الهی (ج) و پیغمبر راستین وی حق و امور یقینی می شناسند بنابراین آنانیکه از امور غیب منکراند از هدایت بهره ندارند

وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ

نماز را

درست برپا میدارند

و

تفسیر : اقامت صلوٰه برپاداشتن نماز است که همیشه و بارعایت حقوق.

در اوقات معینه ادا شود .

وَمِمَّا رَزَقْنَهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۳﴾

و از آنچه عطا کرده ایم ایشانرا خرج میکنند

تفسیر : اصل همه عبادات سه چیز است آنچه متعلق بدل است، آنچه متعلق به بدن است، آنچه متعلق بمال است، درین آیت هر سه اصل به ترتیب ذکر شده.

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ

و آنانیکه ایمان دارند به آنچه نازل شده

إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ

بسوی تو و آنچه نازل شده پیش از تو

وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾

و به آخرت ایشان یقین دارند

تفسیر : آیت سابق ذکر مشرکان مکه بود که بدولت ایمان فایز شدند این آیت از حال آن اهل کتاب (یهود و نصاری) بیان می نماید که به شرف دین اسلام مشرف گردیده اند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۚ

آن گروه (ستوده) بر هدایت اند از جانب پروردگارشان

وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۵﴾

و آن گروه ایشانند رستگاران

تفسیر : هردو فریق اهل ایمان که ذکر شدند در این جهان هدایت شده‌اند و در آن جهان همه آرزوهای ایشان برآورده گردد - ازینجا آشکار شد کسانی که از موهبت ایمان بهره ندارند و از اعمال حسنه محرومند از آنها هردو جهان (دنیا و آخرت) ضایع است . پس از انجام ذکر مسلمانان حال کافران ذکر میشود .

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

هرآئینه آنانیکه کافر شدند برابر است برایشان

ءَاَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنْدِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ⑥

که بتوسانی ایشانرا یا نترسانی ایشانرا ایمان نمی آورند

تفسیر : در این جا کافران تنها مراد از کسانیست که درباره آنها کفر مقرر شده و جاویدان از دولت ایمان محرومند (ابوجهل ، ابولهب و غیره) والا آشکار است که بسیار کافران مسلمان شده اند و مسلمان میشوند .

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ

مهر نهاده است خدا بر دلهای شان و بر گوشهای شان

وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ

و بر چشمهای شان (یک نوع) پرده است

تفسیر : بر دلهای شان مهر نهاد یعنی (سخن حق را نمیدانند) بر گوشهای شان مهر نهاد یعنی (به شنیدن حق متوجه نمیگردند) بر چشمهای شان پرده است یعنی (راه حق را نمی بینند) ، بیان حال کافران به پایان رسید بعد از این در طی سیزده آیت چگونگی منافقان ذکر میشود .

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝۷ وَ مِنْ النَّاسِ ۝۸

و ایشانراست عذاب بزرگ و (بعضی) از مردمان

مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

کسانی اند که میگویند ایمان آوردیم بخدا و بروز قیامت

وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ۝۹

حال آنکه نیستند ایشان مؤمنان

(وقف لازم)

تفسیر : از صمیم قلب ایمان نیاوردند که آن ایمان حقیقی است بغرض فریب مردمان تنها به زبان اظهار ایمان می نمایند .

يُخَذُّ عُنَ الْوَالَّذِينَ آمَنُوا ۝۱۰

فریب میکنند و با کسانی که ایمان آورده اند

وَمَا يَخَذُّ عُنَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ ۝۱۱

و نمی فریبند مگر نفسهای خود را

وَمَا يَشْعُرُونَ ۝۱۲

و دقت نمیکنند (شعور ندارند)

تفسیر : فریب ایشان به حضرت الهی (ج) تأثیری نمی افکند ، حضرت وی دانای راز و عالم غیب است و مسلمانان را نیز متأثر نمیسازد ، خلاوند

انهارا به وسیله پیغمبر خود و دیگر دلایل و فراین به فریب منافقان آگاه می کردند ، و بال این فریبها عاید به خود آنهاست ، اما بعلت نادانی و غفلت و عصیان به غور در آن نمی نگرند و ادراک نمی نمایند ، اگر به غور باز نکرند دانند که زیان خدای ایشان به مسلمانان نرسد و همیشه خود بسوء نتیجه آن گرفتار آیند .

حضرت شاه عبدالقادر (رح) از دانشمندان خورده بینند که «مایشعرون» را به جای ترجمه ظاهری (شعور ندارند) به کنه چیزی پی نبردن و سنجش نکردن ترجمه نموده اند .

فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا

دردلهای ایشان (یکنوع) بیماریست پس افزود بایشان خدا بیماری را

تفسیر : در دلهای شان بیماری نفاق و نفرت دین و حسد و عناد مسلمانان از اول مستولی بود ، اکنون نزول قرآن ، ظهور شوکت اسلام ، پیشرفت و پیروزی مسلمانان بر بیماری های شان می افزاید .

وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ بِمَا كَانُوا

و ایسانراست عذاب دردناک به سبب آنکه

يَكْذِبُونَ ⑤

دروغ می گفتند

تفسیر : دروغ آنست که به کذب دعوی اسلامیت داشتند و می گفتند «آمینا بالله وباليوم الآخر» (پیشتر گذشت) یعنی عذاب الیم محض به کذب آنها نیست جزای نفاق ایشان است ، حضرت شاه (رح) می خواسته به همین تفاوت باریک جلب توجه کند که «یکذبون» را بجای (دروغ گفتن) به دعوی دروغ ترجمه نموده فجراً الله ماذق نظره .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

هنگامی که گفته شود باشان که فساد مکنید در زمین

قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾

گویند جزاین نیست که ما اصلاح کارانیم

تفسیر : منافقان نوع ، نوع فساد می انگیزند ، به تنایلات نفسانی منہمک بودند ، در انقیاد احکام شرع سستی میکردند ، و از آن نفرت داشتند ، با مسلمانان و کافران ، به هر دو جانب مراوده داشتند ، بغرض رفعت قدر و منزلت خویش حرف یکی را به دیگری می گفتند ، با کافران به مدارا و آمیزش بودند ، در امور مخالف دین آنها را مزاحم نمی گشتند ، اگر کافران اعتراضی یا اشتباهی در مسایل دین می نمودند آنها را رو بروی مسلمانان آشکارا می گفتند تا مردم ضعیف الاعتقاد بی خرد را در احکام شرع مشتبه سازند . اگر کسی آنها را از اجرای مفساد شان باز میداشت می گفتند ما خواهان اصلاحیم و می خواهیم مانند روزگار پیشین یگانگی در میان مردم برقرار شود و مخالفتی که از دین جدید به میان آمده رفع گردد (مردم مادی و هوا پرست همیشه چنین گویند) .

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ

آگاه باشید هوأئینه محض ایشانند فساد انگیزان

وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾

و مگر نمیدانند (شعور ندارند)

تفسیر : حقیقت اصلاح آنست که دین حق بر سایر ادیان فیروزی یابد ، و نسبت به اغراض و منافع این جهان احکام شرع بیشتر رعایت شود و در راه دین به موافقت و مخالفت هیچکسی هیچگونه اعتنائی نشود ، ع : خاك بردلداری اغیار پاش ! منافقان هرچه را به حیلۀ مصالحت و مصلحت جلوه میدهند در حقیقت جز فساد چیزی نیست اما خود از ادراك آن عاجز اند .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْنُوا كَمَا آمَنَ

و هنگامیکه گفته شود بایشان که ایمان بیاورید طوری که ایمان آورده

النَّاسُ قَالُوا

مردم گویند

تفسیر : این سخنان را دردل میکردانیدند یا با همدگر یا با مسلمانان ضعیفی که به کدام علت با آن هاهمراز بودند می گفتند .

أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ ط

آیا ایمان بیاوریم طوری که ایمان آورده بیخردان

تفسیر : مسلمانان صادق را سفیه میگفتند زیرا ایشان چندان شیدا و دلدادۀ احکام گوناگون الهی (ج) بودند که از مخالفت مردمان و عواقب آن نمی اندیشیدند از زیان انقلاب روزگار خویشتن رانکه نمی داشتند بر عکس منافقان که آشکارا هم با مسلمانان ساخته بودند و هم با کافران اغراض نفسانی آنها را از اندیشه آخرت بازداشته بود ، خود پرستی و هوای نفس چنان برایشان چیره شده بود که ایمان و انقیاد شرع را چیزی زاید می پنداشتند . هرگاه مجبور میشدند تنها به زبان دعوی اسلامیت می نمودند و به اجرای بعض اعمال ضروری اکتفا می کردند .

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِن

آگاه باشید هر آئینه خاص ایشانند بیخردان و مگر

لَا يَعْلَمُونَ ۝

نمی دانند

تفسیر : در حقیقت منافقان سفیهانند ، آنها برای مصالح و اغراض فناپذیر این جهان از اندیشه آخرت باز مانده اند ، چه نادانند کسانی که نعمت مخلد و پایدار را می گذارند و اشیای فانی و فرومایه را اختیار میکنند ، جهل عظیم است هر اسیدن از مخلوق ناتوانی که بهر صورتی می توان از وی خوشتن را نگهداشت و نترسیدن از خداوند جهان و دانای راز های نهان که هیچگونه تدبیری هیچگاه مقابل حضرت وی پیش نمی رود ، این (مدعیان) صلح کل با « احکم الحاکمین » و بندگان مقبول وی نیز خلاف می ورزند ، دانش منافقان بحدی کوتاه و محدود است که چنین حقیقت آشکار و روشن را ادراک نتوانند .

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ يَنْ آمَنُوا قَالُوا

« هنگامیکه ملاقات کنند با مسلمانان گویند

أَمَّا ۖ وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ ۖ

ایمان آوردیم و هنگامیکه تنها شوند سوی شیاطین شان

تفسیر : مراد از شیاطین (اشرار) آن کافران است که کفر خود را بر هر کس اظهار میکردند یا منافقانی که صدر و پیشوای جماعت خویش بودند

قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ ۖ

گویند هر آینه ما با شما هستیم

تفسیر : در مسئله کفر و اعتقاد به « دین » تماماً با شما هستیم و در هیچ حالی از شما کناره نگیریم .

إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ۖ

جزاین نیست که ما استهزا کنندگانیم (بمسلمانان)

تفسیر : از موافقت ظاهری ما با مسلمانان ، موافقت حقیقی ما با ایشان استدلال نشود مابه آنها استهزا می کنیم ، ساده لوحی شان را بر مردمان آشکار می سازیم گفتار ما مخالف که دار ماست اما مسلمانان از بیخردی بطواهر

سخنان ما اعتماد می‌کنند و ما را مسلمان می‌پندارند ، بمال و فرزندان ما تعرض نمیکنند ، از مال غنیمت سهم میدهند ، اولاد خود را به نکاح ما عاقبتی نمایند ما اسرار شان را کشف می‌کنیم آنها از بی دانشی با این همه از فریب و خداع ما آگاه نمی‌شوند .

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ

خدا جزای استهزاء میدهد بایشان

تفسیر : چون خداوند مومنان را مامور ساخت که بامنافقان مانند مسلمانان معامله کنند و بخود آنها و اموال آنها مزاحمت نکنند ، منافقان به بیخردی خود از این حکم کاملاً مطمئن شدند و پنداشتند که بر منافع مسلمانان حقیقی تنها با ظهار زبانی نایل شده‌ایم ، این رعایت ، منافقان را بمصیبت بزرگ مبتلا میکند و انجام شان نهایت خراب است ، انصاف کنید استهزای حقیقی عاید بمسلمانان است یا بمنافقان ؟ یا مفهوم استهزای الهی این است که خدا جزای این استهزا را بمنافقان میدهد .

وَيَمْكُدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾

و مهلت میدهد ایشانرا در سرکشی‌شان حال آنکه متحیرند

تفسیر : خداوند ایشان را مهلت داد تا حدیکه در عصیان خویش امتداد دادند آنها بعاقبت خویش دقیق نشدند و از راه حق منحرف گردیدند ، و شاد شدند به اینکه ما بمسلمانان استهزا میکنیم باوجود اینکه حقیقت بر عکس آن بود . در این آیت «فی طغیانهم» به فعل «یَمْكُدُهُمْ» متعلق است اما در بعض تراجم جدید دهلوی که «فی طغیانهم» را به «یَعْمَهُونَ» متعلق میدانند در معنی تغییر وارد می‌شود باعتقاد معتزله موافق و به عقیده اهل سنت و محاوره عرب مخالف است ، دانشمندان خطای آنرا بخوبی میدانند .

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ

ایشان

آن کسانی که

خریدند

گمراهی را

بِالْهُدَىٰ فَهَارَ بَحْتٌ ۖ يِّجَارَ تُهُمُ

عوض هدایت

پس فائده نکرد

تجارت ایشان

تفسیر : این تجارت ضلالت را بجای هدایت پ خریدن است که در سابق ذکر شد.

وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝۱۶

نبودند

راه یافتگان

تفسیر : منافقان در ظاهر ایمان را پذیرفتند و بر قلوب شان کفر استیلا داشت از این جهت در این جهان تباه و در آن جهان رسوا شدند - خداوند در کلام فرخنده خود بر کوائف آنها همه را آگاه کرد . اگر ایشان بشرف ایمان فایز میشدند در هر دو جهان سرافرازی نصیب ایشان میگشت این بازرگانی سودی نبخشید نه در دنیا ازان متمتع شدند و نه در آخرت مستفید گردیدند . منافقان ندانستند و تنها اقرار شفاهی را کافی و سودمند پنداشتند تا دچار این تباهی و افتضاح گردیدند - اینجا ، دو مثال مناسب حال منافقان ذکر میشود .

مَثَلَهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَنَا رَا ۚ

مثال ایشان چون مثال کسیست که افروخت آتش را

فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ

پس چون روشن کرد آتش حوالی او را دور کرد خدا

بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ

روشنی آنها را و گذاشت آنها را در تاریکی ها

لَا يُبْصِرُونَ ①۷

که هیچ نمی بینند

تفسیر : مثال منافقان مانند کسانیست که در شب دیجور در صحرا آتش افروخته باشند تاراه پدید آید چون آتش درخشید و اندکی راه پدیدار گردید خدا آنرا خاموش ساخت و آنها دیگر دیده نتوانستند و در ظلمت شب در میان صحرا مبهوت ایستادند - بدینگونه منافقان نیز از مسلمانان ترسیدند و خواستند از فروغ کلمه شهادت مستفید شوند ؛ آنها از منافع آبی و زیون مانند حفظ مال و جان در استفاده بودند که فروغ کلمه شهادت از نگاه ایشان منطقی شد و آن منافع فانی و فرومایه از میان رفت و در نخستین مرحله مرگ بعذاب الیم گرفتار شدند .

صُمْ، بَكْمُ عُمَى فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ①۸

(ایشان) کر اند ، گنگند ، کوراند پس ایشان باز نمیگردند (از گمراهی)

تفسیر : کراند سخنان حق را نمیشنوند ؛ گنگد حرف راست نمیگویند کوراند سود را از زیان باز نمی شناسند . کر و گنگد تواند راه رود ؛ کور تواند به کسی آواز دهد یا آواز کسی را شنود اما باز گشت این منافقان بسوی حق هیچ توقع نمیشود زیرا هم کراند هم گنگد و هم کور .

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ

یا مثال آن ها مانند (اصحاب) باران شدید است که آمده باشد از آسمان در آن تاریکی ها

وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ

و رعد و برق است . می درآورد انگشتان خود را ۱۶

فِي اِذْ اَنِيهِمْ مِّنَ الصَّوَاِغِ حَذَرٌ
در گوشه‌های خویش از صاعقه‌ها از توس

الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾
مرگ و خدا احاطه کننده است به کافران

تفسیر : این مثال دوم منافق است . منافقان چون کسانی می‌باشند که در شب موخش وتاریك ابرهای تیره و غلیظ فضا را پوشیده باشد ، قطرات درشت و مسلسل باران پی‌هم فروریزد ، در میان امواج مدهش ظلمت رعد غریو افکند و برق با فروغ خیره کن وهولناك خود بدرخشد و آن‌ها از هول مرگ انگشتان خویش را درگوش نهند تا می‌آدا از شدت آواز قالب تهی کنند این است حال منافقان که تکالیف و تهدیدات شرع رامیشنوند -واری و رسوائی خویش را میدانند ، ضیاع اغراض ومصالح دنیوی را تصور میکنند و از هر طرف درکشاکش واضطراب و هراس شگفتی گرفتار می‌باشند وبلاوجود این میخواهند باتدابیر بیسوده از خویش شدن حفاظه کنند . قدرت خداوند متعال از هر طرف بر آن‌ها مستولیست از عذاب دردناك آن ابدآ رستگار شده نتوانند .

يَكَاذِبُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ
تزدیک است که برق رباید چشمهای ایشانرا

كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَّشَوْا فِيهِ وَإِذَا
هرگاه درخشد برق بایشان روند در آن (روشنائی) وهنگامی

أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
که تاریك شود راه بایشان بایستند و اگر میخواست خدا

لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ط

هر آئینه میبرد شنوائی ایشان را و بینائی ایشان را

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٠﴾

هر آئینه خدا بر هر چیز تواناست

تفسیر : منافقان در کمراهی و اندیشه های تاریک خویش مبتلا و سرگردانند هنگامیکه غلبه فروغ اسلام و ظهور معجزات قویه را می نگرند ! تنبیه و تهدید شرعی را می شنوند ، متنبه می گردند و ظاهراً به صراط مستقیم می گرایند مگر در عین زمان کدام آزار و تکلیف دنیوی بایشان عاید گردد به کفر خویش استوار می مانند شبیه کسانی باشند که چون در امواج ظلمت و باران سخت برق بتابد قسمی بردارند و باز وا ایستند . علم الهی بر همه اشیاء محیط است از قدرت وی هیچ چیزی خارج نیست ازین مکیاید و تدابیر سست چیزی بر نمی آید .

فائده : از آغاز سوره تا اینجا از سه نوع مردم ذکر شد : اول مؤمنان ، دوم کافرانیکه بر دلهای ایشان مهر نهاده شده و هرگز ایمان نمی آورند ، سوم منافقان که در ظاهر مسلمانند اما قلوب ایشان به هیچ جانبی بطور قطعی استقامت ندارد .

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي

ای مردم بپرستید پروردگار تانرا آنکه

خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

آفرید شمارا و آن کسانی را که پیش از شما بودند

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٧١﴾ الَّذِي جَعَلَ

تا شما بترسید (از خدا) آنکه ساخت

لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً ۝

برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ

و فرود آورد از آسمان آب را پس برآورد به آن

مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ فَلَا تَجْعَلُوا

از میوه روزی برای شما پس مگردانید

لِللّٰهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝۲۲

برای خدا همتاها حال آنکه شما میدانید

تفسیر : خداوند به تمام بندگان: مؤمنان، به کافران، به منافقان خطاب فرموده توحید الهی (ج) را که اصل اصول ایمان است بایشان ابلاغ میکند و خلاصه آن چنین است : خداوند شما و پیشینیان شما را بیافرید-منافع و لوازم شما را مهیا گردانید چه جهل و بی خردیست خدای قدیر متعال را گذاشتن و بتانی را که هیچ سود و زبانی نتوانند معبود و مولای خویش قرار دادن - حال آنکه شما خود میدانید که ذات منزّه اوتعالی را نظیر و همسانی نیست .

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا

و اگر هستید در شك از کلامیکه ما فرو فرستادیم

عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ ۝

بر بنده ما پس بیارید سوره را مانند آن

تفسیر : این سخن پیشتر ذکر شد که در این کلام مقدس علت اشتباه دوجیز شده می توانست : یاد رخود این کلام فتوری میبود که آنرا بذریعه «لاویب فیه» رفع کرده اند یادگیری بر حسب عناد، یا قصور ادراک خویش به قرآن اشتباهی میداشت ، صورت ثانی نه تنها ممکن بلکه موجود بود. برای رفع آن طریق آسان و لطیفی بیان شد که اگر شما می پندارید که قرآن گفته انسان است يك سوره به همین فصاحت و بلاغت بقدر سه آیت بسازید اگر شما با همه فصاحت و بلاغت از سوره کوچکی عاجز شدید بدانید که قرآن کلام خداست نه گفته بنده ، این آیت بر نبوت حضرت پیغامبر (ص) نیز دلیل است .

وَإِنْ عُوا شَهِدَآءَ كُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ

و بخواید مددگاران خود را بجز خدا

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۲۳﴾

اگر هستید راستگویان

تفسیر : اگر شما درین دعوی خویش راستگویانید که قرآن گفته بشر است از دانشمندان ، شاعران ، فصحا و بلغائی که موجود اند (ما سوای خداوند) استمداد کرده سوره کوچکی ساخته بیارید ، یا این مطلب است که جز خداوند در پیشگاه معبودان خویش باکریه و خشوع دعا کنید تا در این امر صعب بشما مدد کنند .

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا

پس اگر (چنین) نکرید و هرگز کرده نمیتوانید

فَأَنْقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ

پس بتوسید از آتشی که هیزم (آشرا نگین) آن مردم

وَالْحِجَارَةُ^ج أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ^{۲۳}

و سنگها باشد آماده کرده شده برای کافران

تفسیر : چون شما نمیتوانید سوره کوچکی بیارید و این امر یقینست که
ابتدا آورده نمیتوانید بترسید و خویشتن را از آتش دوزخ باز دارید آتشی
که از همه آتشها تیزتر است هیزم آن کافران است و سنگهاییکه آنرا
می پرستید .

راه دستکاری از آتش این است که به کلام خدا ایمان بیاورید این آتش برای
کفاری مهیا شده که تبلیغ میکردند که قرآن و پیغمبر الهی دروغ
است .

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

و بشارت ده کسانی را که ایمان آوردند و کردند

الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

کارهای شایسته هر آئینه آنها را باغبانست که میرود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رَزَقُوا

از زیر (درختان) آن جویها هرگاه روزی داده شوند

مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا ۖ قَالُوا هَذَا الَّذِي

از آن از میوه برای خوراک گویند این همان است که

رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ ۖ وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا^ط

تفسیر : میوه‌های بهشت در صورت شبیه میوه‌های دنیا است اما در لفت تفاوت از زمین تا آسمان است ، یا میوه‌های بهشت در صورت باهم شبیه‌اند و در گوارائی متمایز . چون بهشتیان آن میوه‌ها را ببینند گویند ما این میوه‌ها را در دنیا یاد ر بهشت دیده‌ایم و چون بچشند لذت آن جدا باشد .

وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ ۖ

وایشانراست در آنجا زنان پاکیزه

وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝

وایشان در آنجا جاویدانند

تفسیر : زنان بهشت از نجاسات ظاهری و باطنی و اخلاق رذیله پاک می‌باشند .

فایده : تا اینجا سه چیز ضروری بیان شد :

- (۱) مبدأ که ما از کجا آمده‌ایم و چه بودیم .
- (۲) معاش که با چه تغذیه کنیم و کجا زندگی نمائیم .
- (۳) معاد که انجام ما چسان خواهد بود .

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا

هر آینه خدا حیاء نمی‌کند که بیان کند مثالی را

مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا فَوْقَهَا ۚ

پشه و بالاتر از آن

تفسیر : در این آیه بجواب آن معارضه پرداخته شده که کافران بر آیه ما قبل نمودند خلاصه چون کافران نتوانستند سورة کوچکی مانند این کلام بسازند و بر آنها ثابت گردید که قرآن کلام الهی (ج) است به مقابله برخاستند و گفتند اگر ما از مقابله با قرآن عاجزیم بدلیل دیگری ثابت می‌کنیم که قرآن کلام بشر است دلیل ما اینست که بزرگان در گفته‌های خویش از ذکر اشیای زبون و فرومایه خود داری می‌نمایند خدا که از همه

که بزرگان در گفته های خویش از ذکر اشیای زیون و فرومایه خود داری
مینماید. خدا که از همه بزرگان برتر و بزرگتر است چگونه در کلام
مقدس خویش اشیای فرومایه و ذلیل را چون مکس و عنکبوت ذکر می نماید
جواب این معارضه را باین صورت داده اند که هر گاه خداوند چون پشه
یا از آن بزرگتر (مکس و عنکبوت) را در کلام خویش ذکر کند جای
عارو شرم نیست زیرا غرض از مثال توضیح است بر مثل له و دران
بزرگی و کوچکی مثل (مثال آورنده) رادخلی نیست و این مطلوب
وقتی حاصل میشود که مثال با مثل له مطابقت تام داشته باشد یعنی
مرتبه تحقیق مثال با اندازه تحقیق مثل له باشد ورنه تمثیل بیهوده شمرده
می شود. اعتراض این گروه نادان وقتی بجاشمرده می شد که در تمثیل
مطابقت مثال با مثل لازم می بود ولی ثابت است که هیچ سفیدی مطابقت
مثال را با مثال آورنده لازمی نمی شمارد. در تورات و انجیل و سخنان
پادشاهان و دانشمندان ازین گونه امثله به کثرت وارد شده مخالفت کفران
درین باب محض عناد و نادانست. در معنای مافوقها گفته میشود که هر آید
از فوق بال پشه است که در حقارت و خوردی بیشتر از آن است و در
بعضی احادیث این جهان بیال پشه تشبیه شده.

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ

پس اما کسانی که ایمان آورده اند (پس) میدانند که هر آینه این مثال حق است

مِنْ رَبِّهِمْ ۚ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

از جانب پروردگار آنها و اما کسانی که کافر اند

فَيَقُولُوا مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا

میگویند که چه چیز اراده کرده خداوند باین مثال

يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا

گمراه می کند باین مثال بسیاری را و راه می نماید باین مثال بسیاری را

تفسیر : مؤمنان این امثله را حق و راست و مفید مدعا میدانند ، کافران به تحقیر میگویند از ایراد این امثله زبون خداوند چه اراده داشته است این آیات جواب گفته های ایشان است یعنی درین کلام هدایت نظام منظور آنست که برخی را به ضلال افکند و بعضی را مایه هدایت شود . گویا در نظر است که پیروان حق و باطل از هم متمایز گردند و این خود امری لازم و سودمند می باشد .

وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٣٦﴾ الَّذِينَ

و همراه نمیکند باین مثال مکر فاسقان را آنانیکه

يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ

می شکنند عهد خدا را پس از

مِيثَاقِهِ ۝ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ

استواری آن و قطع میکنند آنچه را امر کرده خدا به

أَنْ يُوْصَلَ

اتصال و پیوند آن

تفسیر : مانند قطع صلوات رحم ، و روگردانیدن از پیغمبران و واعظان و عامه مومنان و اعراض از نماز و سایر امور خیریه .

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ ط

و فساد میکنند در زمین

تفسیر : مراد از فساد این است که مردمان را از ایمان متنفر می کردند مخالفان اسلام را تحریک مینمودند تا با مسلمانان بجنگند . اصحاب کرام و صلحای

امت را به عیوب منسوب می نمودند و آنرا شهرت میدادند تا حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و دین فرخنده اسلام در نگاه مردمان بی اهمیت تلقی شود ، اسرار مسلمانان را به مخالفان میگفتند و درانتشار هرگونه بدعات سیئه و مراسم غیر مشروع میکوشیدند .

أُولَئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ ﴿٢٧﴾

آن گروه ایشاندن زیان کاران

تفسیر : برحسب اعمال زشت خویش خود را زیان می افکنند و رنه هیچگاه به اسلام توهینی و یا بصلحای امت تحقیری از آن عاید نمیشود .

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللّٰهِ وَكُنْتُمْ اَمْوَاثًا

چگونه کافر میشوید بخدا حال آنکه شما بودید مردگان

تفسیر : اجسام بی جانی که مرکز حس و حرکت نداشت ، اول عناصر بود بعداً به غذای پدر و مادر تبدیل یافت ، پس از آن نطفه و خون بسته و پارچه گوشت گردید .

فَاَحْيَاكُمۡ

پس زنده گردانید شما را

تفسیر : پس از احوال ماتقدم روح دمیده شد ، نخست در رحم مادر بزندگی نایل شدید و بعداً بزندگان درین جهان فایز گردیدید .

ثُمَّ يَمِيتُكُمۡ

باز بمیراند شما را

تفسیر : گاه که در پایان زندگی میعاد مرگ فرارسد .

ثُمَّ يُحْيِيكُمۡ

باز زنده گرداند شما را

تفسیر : روز رستاخیز برای سنجش حساب

ثُمَّ إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ ﴿٢١﴾

باز بسوی او برگردانیده میشوید

تفسیر : از قبرها می‌خیزید و در پیشگاه اقدس الهی (ج) برای عرض حساب و کتاب استاده میشوید . پس انصاف نمائید شما که از آغاز تا انجام گزیده مواهب بی شمار خداوند ید ، در هر حالی بحضرت اوستمندید و در هر حاجتی بوی نیاز دارید - چه شکفت انگیز است که باین همه مواهب لاتحصى از فرمان مقدس او سرباز زنید .

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ

وآن ذاتست که بیافرید برای شما آنچه در زمین است

جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ

همه را باز قصد کرد بسوی آسمان

فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ ط

(پس) برابر کرد آنها را هفت آسمانها

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٢﴾

و ذات او بهر چیز داناست

تفسیر : این آیه کریمه بیان نعمت دیگرست ، نعمتی که شمارا آفرید و برای بقاء و انتفاع تان در زمین هرگونه اشیاء : خوردنی ، پوشیدنی نوشیدنی و سایر لوازم آنهارا پدید آورد ، آسمانهای عدیده را برافراشت تا از آن هر گونه منفعت شما تامین گردد .

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ

و هنگامی که گفت پروردگارتو به فرشتگان که من آفریننده‌ام

فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً

در زمین خلیفه را

تفسیر : این آیت بیان نعمت بزرگیست که بر همه عالم بشریت عام است یعنی واقعه آفرینش حضرت آدم و مقام خلافت وی که به تفصیل مذکور است اگر کسی در آیه سابق (خَلَقْكُمْ) انکاری داشته باشد از واقعه حضرت آدم (ع) بخوبی جواب آن برمی آید .

قَالُوا أَا تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا

گفتند که آیا میگردانی در زمین کسی را که فساد میکند در آن

وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ

و می‌ریزاند و خون‌ها را حال آنکه ما تسبیح می‌کنیم

بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ط

بحمد تو و بیای می‌کنیم مر ترا

تفسیر : فرشتگان همه در اندیشه افتادند که چه حکمت است که خداوند قدیر متعال باوجود مابندگان فرمانبردار اطاعت کار ، انسانرا خلیفه می‌سازد که در میان ایشان مردمان مفسد و خونریز پدیدمی آیند - فرشتگان این امر را از پیشگاه جناب احدیت بغرض استفاده سوال نمودند نه بصورت اعتراض . درین مسئله که چگونه فرشتگان بر طبیعت بشری واقف شدند چندین احتمال موجود است . مثلاً طبیعت بشری را به طبیعت جنی قیاس

کردند - یا خداوند ازین مسئله پیشتر آنها را دانانده بود - یا در لوح محفوظ احوال انسانرا نوشته دیده بودند - یا میدانستند که بوجود خلیفه و حاکم آنگاه ضرورت می افتد که ظلم و فساد موجود باشد - یا (درعالم مثال) از قیافه آدم این امر را سراغ نمودند ، چنانچه ابلیس چون در صورت آدم نگاه کرد گفت وی فریب خواهد خورد و این امر بوقوع پیوست .

قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۰﴾

گفت هر آینه من میدانم آنچه را شما نمیدانید

تفسیر : جواب اجمالی به فرشتگانست که حکم و مصالحیکه در خلقت خلیفه موجود است آنرا من بهتر میدانم اینها بر شما پوشیده است و رنه در خلافت و افضلیت آدم شبه نمیکردید .

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ

و بیاموخت آدم را نامهای اشیاء را همه باز پیش کرد آن اشیاء را

عَلَى الْمَلَائِكَةِ ۖ فَقَالَ أَنِيبُونِي

بر فرشتگان پس گفت خبر دهید مرا

يَا سُبْحَانَ هَؤُلَاءِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾

بنام های این چیزها اگر هستید راستگویان

قَالُوا سُبْحَنكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا

گفتند بپاکی یاد میکنیم ترا نیست هیچ دانشی بمانکر آنچه

عَلَّمْتَنَّا إِيَّاكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾

تو آموختی ما را هر آینه تو توانی دانا با حکمت

تفسیر : خداوند (ج) اسماء - حقایق - خواص - سود و زیان چیزها را بسی وسیله سخن بر ضمیر آدم القاء کرد زیرا خلافت و حکمرانی بر دنیا جز به کمال علمی ممکن نباشد بعد از آن بقرض اطلاع فرشتگان بر این حکمت از ایشان پرسید که اگر شما راست میگوئید که وظیفه خلافت را ادا کرده میتوانید اسماء و کوائف اشیاء را بیان کنید فرشتگان بعضی خویش معترف گشتند و نیک دانستند که خلافت زمین جز با داشتن علم عمومی کسی را میسر نگردد. ما با علم مختصر خویش سزاوار خلافت شده نمیتوانیم فرشتگان این حقیقت را ادراک نموده صدا بر آوردند که (خدایا هیچیکی را به حکمت و دانائی تو مجال رسیدن نیست).

قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۚ فَلَمَّا

گفت ای آدم خبر ده فرشتگان را بنامهای آنها پس چون

أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ

خبر داد ایشانرا بنامهای ایشان گفت آیا نگفته بودم به شما

إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ ۚ

که هر آینه من میدانم چیزهای نهانی آسمانها و زمین را

وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿۳۳﴾

و میدانم آنچه را آشکار میکنید و آنچه را شما میپوشانید

چنان بسرعت به فرشتگان بیان کرد که ایشان به حیرت افتادند و برداشش وسیع او آفرین گفتند سپس خداوند (ج) بفرشتگان فرمود ما نگفته بودیم که ما بر رازهای آسمان و زمین آگاهیم و اسرار شما نزد ما روشن است .
فایده : ازین داستان ثابت میشود که علم بر عبادت افضلست ، زیرا فرشتگان با وجود آنکه معصوم و در عبادت (تعمیل اوامر) از بشر برتراند ، اما چون در علم از آن ها فروتراند خلعت خلافت بانسان بخشوده شد و فرشتگان مسلم داشتند که عبادت خاصه مخلوق و علم از صفات الهی (ج) است و در وجود هر خلیفه کمال مستخلف عنه لازم باشد .

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

و چون گفتیم به فرشتگان که سجدہ کنید به آدم

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

پس همه سجدہ کردند مگر ابلیس

تفسیر : هنگامیکه خلافت بر آدم (ع) مسلم گردید فرشتگان و جنیان مامور شدند تا بسوی او سجدہ نمایند و او را قبله سجود خویش قرار دهند به آئین شاهان که در آغاز نصب ولیعهد ارکان دولت را به تقدیم هدایا مامور سازند تا احدی را مجال تمرد نماند . فرشتگان سجدہ کردند مگر ابلیس . وی اصلاً جن بود باملائک آمیزش تمام داشت علت نافرمانی ابلیس را چنین توضیح میدهند :

جنیان چندین هزار سال بر زمین تصرف داشتند و گاهی بر آسمان نیز سیر میکردند در اثر خونریزی ساد ایشان خداوند (ج) فرشتگان را امر کرد که بعضی از آنها را به رسانند و برخی را در جزیرها ، در صحراها ، در کوهها منتشر سازند . در میان جنیان عابد و پارسا بود و بفاسد جنیان اظهار علاقه مندی نمیکرد ، به سفارش فرشتگان محفوظ ماند و در میان ایشان سکونت میکرد و در طمع افتاد که بجای جنیان مطرود ، تصرف زمین بوی گذاشته شود . در عبادت میکوشید و همیشه در هوای خلافت زمین بود . چون حکم خدا (ج) به خلافت آدم قرار یافت ابلیس مأیوس شد در اتلاف عبادت ریائی خویش و فرط حسد آنچه توانست انجام داد و ملعون جاوید گردید .

أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ ۖ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

نه پذیرفت و سرباز زد و بود از کافران

تفسیر : ابلیس در علم الهی (ج) از آغاز کافر بود و کفراو بر دیگران اکنون آشکار گردید - بعبارت اخری اکنون کافر شد ، نه ازین جهت که تنها سجده نکرد - بلکه از فرمان الهی (ج) سرباز زد و حکموی را با حکمت و مصلحت مخالف شمرد و موجب عار پنداشت .

وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ

و گفتیم ای آدم ساکن شو تو و زوجه تو

الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ

در بهشت و بخورید از بهشت خوردن زیاد هر جا

شِئْتُمَا ۖ وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ

که خواهید و نزدیک مشوید باین درخت

فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٨﴾

(یس) می شوید از ظالمان

تفسیر : مشهور است که این درخت گندم بود بعضی درخت انگور - انجیر - ترنج و غیره نیز گفته اند . والله اعلم .

فَاَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَاَخْرَجَهُمَا

پس بلغزانید هر دو را شیطان از آنجا پس برآورد ایشان را

مِمَّا كَانَا فِيهِ

از آن نعمتهائی که بودند در آن

تفسیر : گویند آدم و حوا در بهشت ساکن شدند . شیطان از مقام عزت رانده شد بدین جهت آتش حسدوی درباره خلیفه الهی (ج) بیشتر گردید بآمار و طاووس ساخته در بهشت درآمد حواری بطایف الحیل فریفت چنانکه خود از آن درخت خورد و به آدم خوراند شیطان ایشان را اطمینان داده و گفته بود از درخت مذکور بخورید که همیشه مقرب بارگاه خدا باشید و الهی (ج) را نیز از خود توجیهات کرد . این واقعه مفصلا ذکر میشود .

وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ

و گفتیم فرود روید بعضی تان بعضی را دشمن میباشد

تفسیر : در کيفر این لغزش از پیشگاه خدا به آدم و حوا حکم شد که از بهشت فرود روید و با فرزندان خویش در زمین ساکن شوید در زمین با همدیگر دشمنی می ورزید بدین علت به رنجها مبتلا می شوید - از بهشت برانید بهشت فرخنده مادر العصیان و مقام دشمنی و رنج نیست - این امور فرومایه و پست در خور خاکدان حقیر دنیا است - دنیا ای که بفرض آزمون شما آفریده شده .

وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ

و شما را است در زمین آرامگاه و بهره مندی

إِلَىٰ حِينٍ ۖ

مدتی

تا

تفسیر : شما در دنیا جاویدان نمی باشید بلکه تامیعی می بین در دنیا خواهید بود و از متاع آن بهره خواهید برداشت عاقبت مصیر شما به بارگاه ماست - آن میعاد معین برای هر کس هنگام مرگ و برای عالمیان بحیث مجموع هنگامه قیامت است .

فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِنْ رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ

پس یاد گرفت آدم از پروردگار خویش سخنی چند (پس) قبول کرد خدا

عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

توبه او را هر آینه اوست پذیرنده توبه مهربان

تفسیر : وقتی که آدم (ع) عتاب خدا را شنید ، از بهشت برآمد به ندامت و انفعال گریستن گرفت و به زاری مشغول شد ، خداوند از راه مهربانی کلماتی چند بآدم (ع) فرمود ، باین وسیله توبه آدم (ع) اجابت گردید .
کلمات این است «وَبِنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا الْإِيه» .

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا

گفتم فرود آئید ازین جا همه شما

تفسیر : خداوند توبه آدم (ع) را پذیرفت ولی معجلا امر نداد که در بهشت باز گردد ، حکمی را که در باره سکونت او به زمین نفاذ یافته بود مرعی الاجرا قرار داد ، مقتضای حکمت و مصلحت نیز چنین بود ، چه واضح است که آدم (ع) به غرض خلافت زمین آفریده شده بود نه به جهت سکونت بهشت .

خداوند فرمود سکونت دنیا ، بندگان مطیع را بجای زیان سود دهد ، دوزخ برای کسانیست که از اطاعت خدا سر باز می زنند و دنیا برای امتیاز و امتحان این دو عنصر متضاد ، شائسته است .

فَأَمَّا يَا تَيْنَكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنْ

پس اگر بیاید شمارا از طرف من هدایتی (پس) هر که

تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

پیروی کرد هدایت مرا پس ترسی نیست برایشان و نه ایشان ۳۳

يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾

اندوهگین شوند

تفسیر : خوف ، صدمه و اندوهیست که قبل از وقوع مصیبت باشد و حزن ، غمی که بعد از مصیبت واقع شود چنانچه اگر کسی از مرگت بیماری میترسد آنرا خوف نامند و کسیکه بعد از مرگت بیمار متاثر شود آنرا حزن گویند . در این آیت خوف و حزن هر دو نفی شده . اگر این خوف و حزن در امور دنیائی مراد باشد تفسیر آیت چنین است : کسانی که هدایت ما را تعجیل می کنند از این مسئله خوف ندارند که این هدایت حق نیست یا شیطان در آن مغالطه و فریب نموده است . و از این جهت نیز محزون نمی شوند که جنت از دست پدر ما خارج شده ، زیرا زود است که بهشت باریاب هدایت رسد و اگر این خوف و حزن در امور آخرت باشد تفسیر آیت چنین است که در روز قیامت ارباب هدایت راهیچ خوفی و حزنی نباشد در اینکه حزنی نباشد هیچ شك نیست اما در نفی خوف انسان در اندیشه می افتد که به انبیاء (ع) نیز خوف طاری میشود و احدی از خوف بر کنار نمی باشد برای دفع این اندیشه گوئیم خوف بر دو گونه است : اول خوفی که علت و مرجع آن در خود خایف موجود باشد چون گدگاری که از پادشاهی به علت جرمی بترسد در این جا علت خوف همان جرم است که به مجرم راجع می باشد ، دوم : خوفی که مرجع آن مخوف منه باشد مانند بیگناهی که از جلال پادشاه یا هیبت شیر می ترسد ، در این جا علت خوف در پادشاه و شیر موجود است نه در خایف ، زیرا وی جرمی را در مقابل پادشاه یا شیر مرتکب نشده است بلکه شکوه پادشاه یا هیبت و سبعمیت شیر موجب خوف او شده این آیه کریمه نوع اول را نفی می کند نه ثانی را و شبهه وقتی وارد می شود که بجای (لاخوف علیهم) لاخلوف فیهم یا لایخافون نازل می شد .

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

و کسانی که کافر شدند و تکذیب کردند آیات ما را

أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

آن گروه اهل آتشند ایشان در آن

خُلِدُونَ ﴿٣١﴾ يَذِّنِي إِسْرَءِيلُ ﴿٣٢﴾

همیشه می‌باشند ای فرزندان اسرائیل

تفسیر : (یا ایها الناس اعبدا) خطاب عمومی بود ، در این خطاب‌ها هیچ ذکر یافت که از آن همه فرزندان آدم (ع) متمتعند ، چون خلق آسمان، زمین، اشیا ، خلقت و خلافت آدم (ع) سکونت‌وی در بهشت و سایر مواهب اکنون در میان مردم تنها به بنی اسرائیل خطاب میشود و آن مواهب خاص مفصلاً تذکار می‌یابد که در هر موقع بطناً بعد بطن به فرزندان اسرائیل ارزانی شده و نا سپاسی‌های که از ایشان ظهور یافته زیرا بنی اسرائیل نخبه ملل بودند ، دانشمند و نویسنده و اهل نبوت بودند ، بر تاریخ انبیاء (ع) معرفت داشتند ، در میان اینها از یعقوب (ع) تا عیسی (ع) چهار هزار پیغمبر مبعوث شده بود ، نگاه عرب پیوسته بایشان بود که آیا نبوت حضرت محمد (ص) را راست میدارند یا نه ؟ ازین جهت خداوند مواهب خویش و مفاصل ایشان را مفصل ذکر کرد تا منفعل شوند و ایمان آرند و رنه مردمان بر اعمال نا پسند ایشان آگاه شوند و به سختی‌شان اعتماد نکنند (اسرائیل نام حضرت یعقوب و معنی آن عبدالله است)

اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ

یاد آید آن نعمت مرا که انعام کردم بر شما

تفسیر : خداوند (ج) چندین هزار تن در میان ایشان به پیغامبری فرستاد ، تورات و دیگر کتب آسمانی را فرود آورد ، از چنگ فرعون نجات داد ، در کشور شام تسلط و اقتدار بخشید ، من و سلوی را نازل کرد ، از سنگ خاره دوازده چشمه جاری نمود ، این مواهب هیچ ملتی را ارزانی نشده بود .

وَاَوْفُوا بِعَهْدِيْ اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ

و وفا کنید به عهد من تا وفا کنید به عهد شما

تفسیر : در توریت این قرار داده شده بود که اگر شما به احکام این کتاب استوار باشید و به پیغامبری که ما می‌فرستیم ایمان بیاورید و از آن همراهی و حمایت نمائید کشور شام از آن شما خواهد بود . بنی اسرائیل این قرار

را پذیرفته بودند ولی به آن استوار نماندند ، نیت های شان بدشد ، رشوت ستانیدند ، حقایق را غیر صحیح وانمودند ، حق را پوشیدند ریاست خویش را استوار داشتند و از اطاعت پیغمبر سر باز زدند ، حتی بعضی پیغمبران را کشتند و در تورات هر جا ذکر حضرت محمد (ص) بود تحریف کردند و ازین جهت گمراه شدند .

وَاٰیٰتِیْ فَارْهَبُوْنَ ۝۳۰

و خاص ازین بترسید (نه از زوال منافع دنیا)

وَاٰمِنُوْا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ

و ایمان بیاورید به آنچه نازل کردم تصدیق کننده است آنچه را با شما ست

تفسیر : در تورات تصریح شده بود پیغمبر صادق آنست که تورات را تصدیق کند و هر که تورات را راست نپندارد دروغگوست . احکام قرآن راجع به عقاید و سوانح پیغمبران - کیفیت آخرت - امر و نواهی با تورات و سایر کتب آسمانی موافق است . اگر بعضی احکام را قرآن نسخ نموده ، مخالف تصدیق نیست . ضد تصدیق تکذیب است . تکذیب کفر است به هر کتاب الهی (ج) که باشد ، بعضی آیات قرآن نیز منسوخ شده اما نه عوذ بالله کسی بر آن اطلاق تکذیب نمیکند نسخ در انشاء است و تکذیب در خبر .

وَلَا تَكُوْنُوْا اَوَّلَ کٰفِرٍۭ بِهٖ

و مباشید شما نخستین کافر به آن

تفسیر : شما در میان کسانی که قرآن را تکذیب می کنند پیش تراز همه عالم و عاقد قرار مگیرید مبدا و بال منکران تادامن حشر بر شما باشد اگر مشرکان مکه افکار کرده اند به علت نادانی و بی خبریست نه دیده و دانسته ، شما در مرتبه اول قرار مگیرید و اینگونه کفر نسبت باول شدید تراست .

وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ

و مگیرید به آیات من بهای اندک و خاص از من

فَاتَّقُونِ ۞ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ

بترسید و میامیزید حق را به باطل

وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۞

و پنهان مکنید راستی را حال آنکه شما میدانید

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

و برپادارید نماز را و بدهید زکوة را

وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۞

و نماز گذارید با نماز گذاران

تفسیر : نماز را به جماعت برپادارید - در ادیان سابق نماز را بدون جماعت می خواندند و حتی نماز یهود رکوع نداشت خلاصه آن چه در فوق ذکر شد پرستگاری شما بسنده نیست - شما در تمام اصول به پیغمبر آخر الزمان متابعت کنید و نماز را نیز بطریقوی برپا دارید کادرین نماز هم رکوع است و هم جماعت .

أَيُّ مَرْوَنَ النَّاسِ بِالْبِرِّ وَتُسُونَ

آیا امر میکنید مردم را به نیکنوی و فراموش میکنید

أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ ط

نفسهای خود را حال آنکه شما میخوانید کتاب را

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۴۲﴾

چرا پس فکر نمی کنید (عمل زشت خود را)

تفسیر : بعضی علمای یهود مهارتی بخرج میرساندند که دین اسلام را در نظر پیروان خویش بخوبی ستایش کنند ولی خود ایمان نیاورند در همچو مواقع علمای یهود بلکه اکثر مردمان ظاهر بین در این اشتباه بودند که چون مادر تعلیم احکام شریعت تقصیر نمیکنیم و بروی حق پرده نمی افکنیم بنابندی در احکام شریعت ضرورتی باقی نمی ماند و به بنای الدال بالخیر کفاعله در صورتی که مردم اعمال شرع را در اثر هدایات ما بجا می آرند آن اعمال از ان ماست و چه ضرورت است که خود داخل عمل شویم این آیه کریمه برای هر دو جنبه خط بطلان میکشد .
مطلب : واعظ آنچه موعظه میکند خود بران عمل نماید نه اینکه فاسق بکسی موعظه نکند .

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ط

و مدد بخواهید بصبر و نماز

تفسیر : علمای اهل کتاب باو صف آنکه حق را واضح و آشکارا معاینه میکردند بحضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم ایمان نمی آوردند علت بزرگ آن بود که ایشان در حب مال و جاه گرفتار بودند خداوند چاره هر دور ابیاموخت چه به صبر حرص مال و محبت آن زائل می شود و نماز بندگی و فروتنی می آرد و از حب جاه می کاهد .

وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۴۳﴾

و هر آینه نماز البته گران است مگر بر

فروتنانی

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلْقُوا رَبِّهِمْ

که یقین دارند هر آینه ایشان ملاقات کنندگان پروردگار خودند

وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۳۶﴾

وهر آینه ایشان بسوی او باز گردند گمانند

تفسیر: یعنی صبر و نمازی که با حضور دل باشد پس گران است مگر بر آنانی که فروتنی میکنند و میترسند و یقین دارند که به حضور خداوند ملاقی می شوند و بسوی آن باز میگردند (یعنی در نماز قریب خدا بوده اند) و گویا آنرا ملاقات با او تعالی می دانند (و یا اینکه در روز حشر برای حساب و کتاب با او تعالی روبرو می شوند).

يٰۤاَيُّهَا بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذْ كُنتُمْ رَاجِعِينَ

ای بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) یاد کنید نعمت مرا

الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي

آنکه انعام کردم بر شما هر آینه من

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۳۷﴾

بر تری دادم شما را بر عالمان (آن زمان)

تفسیر: چون تحصیل تقوی و کمال ایمان بذریعه صبر و حضور و استغراق در عبادات دشوار بود بنابر آن طریق آسانی را تعلیم میدهد که شکر است. خداوند احسان بی کرانی را که همیشه بزرگان و ارزانی داشته به یاد میدهد و اعمال ناپسند آنها را ذکر می نماید که تنها در انسان و در حیوانات نیز این مسئله فطریست که منعم خویش را از صمیم دل دوستی پیدا کنند و پیروی میکنند، این مضمون در چند رکوع مفصل بیان شده.

قائده : مطلب از فضیلت براهل عالم این است که بنی اسرائیل از آغاز پیدایش خویش تا نزول این خطاب بر تمام فرق بر تری داشتند هیچ طایفه را با ایشان یارای برابری و همسری نبود هنگامی که ایشان با قرآن و پیغمبر آخرزمان مقابله کردند آن فضیلت از میان رفت و آنها به لقب مضروب علیهم و ضالین ملقب شدند و تابعین حضرت ختمی مرتبت را خلعت «خیرالاه» نصیب شد .

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ
و بترسید از روزیکه کفایت نکند هیچکس

عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا
از هیچکس چیزی را و پذیرفته نشود از او

شَفَاعَةً وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ
شفاعت و گرفته نشود از او عوض (فدیه)

وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ﴿۳۸﴾
و نه ایشان یاری داده شوند

تفسیر : هرگاه کسی به مصیبتی گرفتار آید. دوستانش عموماً به وسایل ذیل متوسل میشوند : اول درادای حقوق او سعی مینمایند و اگر نتوانند برای نجات او سفارش میکنند و اگر آنها هم نشود به غرامت و فدیة نجاتش میدهند و اگر از آنها هم کاری ساخته نشود معاونین خود را جمع می نمایند و به نیروی جندل به نجات او می پردازند حضرت الهی (ج) نیز به ترتیب فوق فرمود - یعنی مقربین بارگاه الهی نمی توانند کافران و دشمنان خدا را به هیچیک ازین صورت های چهارگانه نجات دهند . بنی اسرائیل میگفتند ما هر قدر مرتکب جرایم شویم بما عذاب وارد نمیشود زیرا آبا و اجداد ما پیغمبرانند آموزش ما را تحصیل می کنند ، خداوند فرمود این تصور شما صحیح نیست .

ولی ازین جا شفاعتی را که اهل سنت بدان قایلند انکار نباید کرد چنانچه در آیات دیگر مذکور است .

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ

و یاد کنید و وقتی را که نجات دادیم شما را از کسان فرعون

يَسُوْ مُوْ نَكُمُ سُوْءَ الْعَذَابِ

که می چشنانیدند به شما بدترین عذاب

يَذَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

ذبح میکردند پسران شما و زنده میکردند

نِسَاءَكُمْ

زنان (دختران) شما را

تفسیر : فرعون خوابی دید منجمان در تعبیر آن گفتند دربنی اسرائیل شخصی بوجود می آید که دین و سلطنت ترا برهم می زند ، فرعون امر داد که اگر دربنی اسرائیل پسری به وجود آید او را بکشند و اگر دختر شود برای خدمت زنده نگه دارند ، خداوند حضرت موسی (ع) را بیافرید و زنده نگه داشت .

وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ

و درین کار آزمایشی بود از رب شما

عَظِيمٌ ۝۴۱

بزرگ

تفسیر: بلاء چند معنی دارد اگر «ذلکم» بجانب ذبح اشاره باشد معنی آن مصیبت است و اگر به جانب نجات باشد معنی آن نعمت و احسان اگر به ذبح و نجات مجموعاً اشاره باشد معنای آن (امتحان) است.

وَإِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ

ویناد کنید وقتی را که شگافتیم به سبب شما دریا را باز نجات دادیم شما را

وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝

وغرق کردیم اتباع فرعون را و شما میدیدید
تفسیر: ای بنی اسرائیل! این نعمت عظیم را بیاد آرید که چون آبا و اجداد شما از ترس فرعون گریختند دریای خروشان پیش رو و عساکر غضبان فرعون به تعقیب شما بود در آن وقت هولناک شما را حفظ کردیم و فرعون را با عساکر او غرق نمودیم این قصه بعداً مفصل می آید.

وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً

ویناد کنید وقتی را که وعده دادیم باموسی چهل شب را

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ۝

بعد گرفتید شما گوساله را (معبود) پس از موسی

وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ۝

و حال آنکه شما ستمکار بودید

تفسیر: احسان ما را درین واقعه نیز یاد باید کرد مابه موسی وعده دادیم که تورات را در عرصه چهل شبانه روز عطاء کنیم اما چون موسی بکوه طور رفت بنی اسرائیل به عبادت گوساله آغاز کردند، شما بس بی انصافید که گوساله را بخدائی قبول کردید، این واقعه نیز به تفصیل می آید.

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ

پس عفو کردیم از شما بعد از آن

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾

تا شما شکر کنید

تفسیر : با وجود آنکه شما مرتکب شرک جلی شدید ما گذشتیم و توبه شما را اجابت کردیم و بستان آل فرعون در هلاک شما تعجیل ننمودیم، چرا که آل فرعون نسبت به شما خفیف بود ولی ایشان را هلاک ساختیم تا شما شکر کنید و قدر احسان ما را بشناسید.

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و یاد کنید هنگامی که دادیم موسی کتاب

وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾

و حجتی جدا کننده حق از باطل تا شما راه راست را بیابید

تفسیر : کتاب البته تورات است و فرقان آن احکام شرعی است که از آن جایز و ناجایز شناخته شود یا معجزات موسی (ع) را فرقان نامید که بوسیله آن حق از باطل و مومن از کافر متمایز میگردد یا عبارت از خود تورات است که هم کتاب است و هم حق را از باطل جدا می کند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ

و هنگامی که گفت موسی قوم خود را (کسانیرا که بگوساله سجده نمودند)

يَقُومِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ

ای قوم من هر آینه شما زیان رسانیدید بر (نفسهای) خویش

يَا تَخَاذِ كُمْ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى

به فرا گرفتن شما گوساله را (بخدائی) پس توبه کنید بسوی

بَارِئِكُمْ فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ط

آفریننده خویش پس بکشید نفسهای خود را

تفسیر : کسانی که به گوساله سجده نکرده بودند سجده کنندگان را بکشند بعضی گویند فرزندان اسرائیل سه گروه بودند (۱) کسانی که گوساله را نپرستیدند و دیگران را هم از آن باز داشتند . (۲) آنانی که به گوساله سجده کردند . (۳) کسانی که نه خود سجده کردند و نه دیگران را منع کردند گروه دوم به کشته شدن ، گروه سوم به کشتن گروه دوم مامور گردید تا توبه سکوت ایشان نیز بجا شده باشد و گروه اول درین توبه شریک نبودند زیرا به توبه حاجتی نداشتند .

ذَا لَكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ ط

این بهتر است برای شما نزد آفریننده تان

فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ٥٣

پس باز گشت خدا به مهربانی بر شما هر آینه اوست بسیار توبه پذیر، نهایت مهربان

تفسیر : علماء اختلاف دارند که کشته شدن توبه است یا تمة توبه در شرع اسلام برای اینکه توبه قاتل عمد پذیرفته شود باید خود را در اختیار ورثه مقتول گذارد آن گاه ورثه اختیار دارد که قصاص کند یا ببخشاید .

وَإِذْ قُلْتُمْ يَهُوسَىٰ لَنْ تُؤْمِنَ لَكَ

و یاد کنید وقتی را که گفتید ای موسی هرگز ایمان نیاوریم به تو

حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ

تا آنکه ببینیم خدا را آشکارا پس گرفت شمارا

الصَّعِقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ نَمِ

صاعقه و شما می دیدید باز

بَعَثْنَاكَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكَ لَعَلَّكُمْ

برانگیختیم شمارا پس از مردن تان تا شما

تَشْكُرُونَ ۝

شکر مکنید

تفسیر : یاد آرید هنگامی را که باوجود آای بیشمار ما به موسی گفتید که ما باور نمی نمائیم که تو میگوئی که (این کلام خداست) مادامی که خدا را آشکارا به چشم نبینیم به علت این جسارت ناجائز بصاعقه هلاک شدیدی آنگاه به نیاز موسی (ع) دوباره شمارا زنده کردیم - این واقعه در هنگامی بود که موسی از میان بنی اسرائیل هفتاد تن را برگزید و برای شنیدن کلام خدا (ج) با خویشان به کوه طور برد - چون کلام خدا را شنیدند همه به اتفاق گفتند ای موسی (ع) سخنان نهانی و پس پرده را مورد اعتبار قرار نمیدهیم تا خدا (ج) را به چشم نبینیم ، به سزای این بیباکی آن هفتاد تن به صاعقه هلاک گردیدند .

وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا

وسایه بان ساختیم بر شما ابر را و فرو فرستادیم

عَلَيْكُمُ الْمَنِّ وَالسَّلْوٰی

بر شما من و سلوی را

تفسیر : بعد از غرق فرعون به فرمان پروردگار بنی اسرائیل از مصر رهسپار شام شدند خیمه‌های شان در صحرا دریده شد هنگامی که خورشید گرم میشد ابر بر آنها سایه میکرد و چون غله تمام میشد من و سلوی جهت طعام شان فرود می‌آمد ، من چیزی بود شیرین شبانه با شب‌نم می‌بارید ، چون دانه گشنیز بود و به ترنجبین شباهت داشت و در پیرامون اردوی بنی اسرائیل ابار می‌گودید چون صبح میشد هر که به قدر احتیاج از آن برمیداشت سلوی مرغی است که آنها (بودنه) گویند این مرغ در وقت شام خیل ، خیل جمع می‌آمد مردم در ظلمت شب آنها گرفته کباب میکردند روز کار درازی خوراک بنی اسرائیل من و سلوی بود .

كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

بخورید از پاکیزه چیزهایی که دادیم به شما

تفسیر : از این غذای گوارا و لطیف بخورید و به آن قناعت کنید بروز دیگر ذخیره منهد و بجای آن چیزی تمنا منمائید .

وَمَا ظَلَمُوا نَاولِکِنْ کَانُوا اَنْفُسَهُمْ

و ظلم نکردند بر ما و لکن بودند که بر نفسهای خویش

يُظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

ظلم می‌کردند

تفسیر : ظلم اول این بود که دُخیره کردند چندانکه گوشت تعفن کرد
ثانیاً درغوض من و سلوی - گندم و تیره و عدس و پیاز تمنا کردند به کيفر این
تجاوزات دچار مصائب کوناگون گردیدند .

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ

و (یاد کنید) هنگامی را که گفتیم داخل شوید درین ده
تفسیر : بنی اسرائیل از کثرت گردش در صحرا بتنگ آمدند و از خور دن
من و سلوی دل های شان زده شد امر شد که در شهر اریحا در آیند آنجا
عمالقه سکونت داشتند ایشان از قوم عاد بودند - برخی گویند این شهر
بیت المقدس بود .

فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا

پس بخورید ازان هر جا که خواهید خوردنی (فراخ) فراغ

وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

و درآئید به دروازه سجده کنان

تفسیر : از دروازه این شهر سجده کنان عبور نمائید (این شکر بدنی بود)
بعضی گویند برسم تواضع خمیده رویید .

وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتَكُمْ

و مگوئید به بخش تا بپارزیم به شما گناهان شما را

وَسَيَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝

و زود است که بسیار دهم نیکوکاران را

تفسیر : استغفار گویان بروید (این شکر زبانی بود) کسیکه این دو حکم را انجام داد از گناهانش می گذریم بهترین ثوابها را به نیکو ترین بندگان می افزائیم .

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي

پس بدل کردند کسانی که ستم کردند سخن را بغیر آنچه

قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

گفته شد برای شان پس فرو فرستادیم بر آنانیکه ستم کردند

رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا

عذاب از آسمان بسبب

۵۶

يَفْسُقُونَ ۝ ۵۶

فسق می کردند

تفسیر : تبدیل کردند یعنی بجای (حطه) برسم تمسخر حطه (کنتم) گفتند و بجای سجده بر سرین های خویش لغزیدند چون در شهر درآمدند به طاعون گرفتار شدند و در ظرف نیم روزی هفتاد هزار یهود ببرد .

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا

و چون آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم

اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ

بزن بعصای خود سنگ را پس روان شد

مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ط
از آن دوازده چشمه

تفسیر : این نیز همان واقعه صحراست هنگامیکه آب نرسید از ضرب عصا بر سنگ دوازده چشمه روان شد ، بنی اسرائیل به دوازده قبیله منقسم و تعداد نفوس قبیله‌ها مختلف بود علامت معرفت هر چشمه از روی موافقت کمی و بیشی نفوس بود یا براساس اختلاف اطراف سنگ. کوتاه نظرانی که ازین معجزات باهره انکار می‌آورند نیستند آدم غلاف آدمند در صورتیکه مقناطیس آهن را جذب میکند چه دوراست که سنگ آب را جذب و جاری سازد .

أَقَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ط
هر آئینه دانست هر قوم آب‌خور خود را

كُلُّوْا وَاشْرَبُوْا مِنْ رِّزْقِ اللّٰهِ
بخورید و بنوشید از رزق الله

وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝۶
و از حد مگذرید در زمین تباه کاران

تفسیر : خداوند باز فرمود که من و سلوی بخورید و آب از چشمه‌ها بنوشید و در عالم فساد مینگیزید .

وَإِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسٰى لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ

و چون گفتند ای موسی هرگز صبر نخواهیم کرد بر ۴۹

طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ

يك نوع طعام پس بخواه برای ما از رب خود

يُخْرِجْ لَنَا مِنْهَا ثُنَيْتُ الْأَرْضِ

که بیرون آرد برای ما از آنچه که میرویاند زمین

مِنْ بَقْلِهَا وَ قِثَّاءِهَا وَ فُومِهَا

از سبزیجات آن و تره و بادرنگ آن و گندم آن

وَعَدَ سِهَا وَ بَصَلِهَا ط

: و عدس آن و پیاز آن

تفسیر : این نیز مربوط به واقعه صحراست ، بلی بنی اسرائیل از خوردن
طعام آسمانی (من و سلوی) بسیر آمدند و گفتند ما بر غذای یکرنگ صبر
نداریم . غله زمینی - تره - سبزیجات - پیاز و غیره بکار داریم .

قَالَ اتَّسَبَّدِ لُونِ الَّذِي هُوَ آدَنِي

گفت موسی آیا به بدل میگیرید چیزی را که ادناست

بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ط

بچیزیکه بهتر است

تفسیر : یعنی من و سلوی را که بهر حال بهتر است به سیر و پیاز و غیره
تبدیل می نمائید .

رَاهِبُطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ ط

پایان شوید به شهری پس هر آئینه باشد شمارا آنچه خواستید

تفسیر : اگر شما باین چیزها آرزو دارید در شهر بروید آرزو های شما آنجا عملی میشود - و چنین شد .

وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ ق

و لازم شده و برای شان خواری و ناداری

وَبَاءُؤُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ط

و باز گشتند بقره از الله

تفسیر : ذلت این است که یهود همیشه رعیت و محکوم مسلمانان و نصاری می باشند چه اگر مال و ثروت دارند نعمت حاکمیت و سلطنت اسباب سرافرازی و بختیاریست ، یهود چون ازین نعمت بزرگ محروم اند ثروت فراوان آنها سودی نه بخشد - مسکنت آن است که یهود محتاج و فقیر می باشند و از آنها کسانی که ثروت داشته باشند از ترس حکام و غیره خود را نیازمند و محتاج نشان میدهند و چون حریص و بخیلند از بینوایان خوارتراند . این قضیه چه قدر راست است که توانگری بدل است نه بمال بنابراین باوصف ثروت و توانگری بینوا ماندند و از عظمت و عزتی که خداوند به آنها ارزانی داشته بود برآمده بخشم و غضبش گرفتار گردیدند .

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ
آیات خدا را و پیغمبران را

بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا
بناحق این به سبب آنکه گناه میکردند

و كَانُوا يَعْتَدُونَ ^{ع ۷} (۶۱)
و بودند که از حد میگذشتند

تفسیر : مایه خواری و بینوایی و خشم الهی (ج) بر یهود آن بود که کافر شدند و پیغمبران را کشتند ، باعث بر کفر و قتل ، سرباز زدن از اوامر و نواهی خدا و برآمدن از حدود شرع بود .

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا
هر آئینه آنانیکه (بزرگان) ایمان آوردند و آنانیکه یهود شدند

وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ
و نصاری و صابیها هر که از ایشان ایمان آورد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْيَوْمَ الْأَخِيرَ وَ عَمِلَ صَالِحًا

بخدا و روز قیامت و کرد کار شایسته ۵۲

فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
پس ایشانداست ثوابشان نزد پروردگارشان

وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾
و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند

تفسیر : این عنایت مختص به يك دسته مردمان نیست شرط بزرگ یقین (ایمان) و اعمال پسندیده است در هر که این شرط موجود باشد ، به ثواب نائل آید این را خداوند ازین رو فرمود که بنی اسرائیل غرور کرده می گفتند ما اولاد انبیائیم و در حضور خدا (ج) از سایر امم بهتریم .
فایده: امت موسی (ع) رایهود ، امت مسیح (ع) رانصاری گویند، صابئین فرقه ایست که از هر دین آنچه را خوب میپنداشتند اختیار میکردند، ابراهیم (ع) را قبول داشتند ، فرشتگان را میپرستیدند ، زبور را تلاوت میکردند و سوی کعبه نماز میگذاردند .

وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا
و هنگامی که گرفتیم عهد شمارا و بلند کردیم

فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا
بالای شما کوه طور را بگیرید آنچه

اتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَإِذْ كُرُوا مَا فِيهِ
دادیم شمارا به کوشش و یاد آرید آنچه در آن است

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۹۳﴾

تا شما
بترسید

تفسیر : چون تورات فرود آمد بنی اسرائیل از طریق تمرد گفتند (که احکام آن سنگین و از توان ما بیرون است) به حکم خدا (ج) کوهی بلند شد و از فراز برایشان فرود آمدن گرفت ، در مقابل آنها آتشی پدید آمد تا راه گریز و تمرد بر آنها مسدود گردد و مجال انکار نماند تا گزیر احکام تورات را قبول کردند در این جا يك اعتراض وارد میشود که قبول احکام تورات در اثر فرود آوردن کوه جزاً و کرهاً بایشان تحمیل گردیده و این امر به آیه «لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» و قانون تکلیف سراسر مخالف است چه بنای تکلیف بر اختیار است و اختیار با اِکْرَاه مناقضت دارد .

جواب این اعتراض چنین است : در قبول دین هرگز اِکْرَاه نبوده بنی اسرائیل قبلاً به رضای خود دین را پذیرفته بودند و به حضرت موسی (ع) بار بار تقاضا می نمودند و از وی کتابی می خواستند که مشتمل بر احکامی باشد

تا آنرا عمل کنند ، و در این مسئله پیمان بسته بودند چون تورات فرود آمد میثاق خویش را شکستند بنابراین فرود آمدن کوه بغرض بازداشتن از نقض پیمان بوده نه برای قبول دین .

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْ لَا

پس روگردانیدید بعد ازین میثاق پس اگر نمی بود

فَضَّلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ

فضل خدا بر شما و مهربانی او

لَكُنْتُمْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿۹۴﴾

هر آینه می بودید از تباہ شوندگان (زیان کادان)

تفسیر : نخست پیمان بستید پس آنرا شکستید اگر عنایت الهی نمی بود در آنوقت کاملاً نابود میشدید یا اینکه (اگر فضل خداوند نمیبود) با آنکه توبه واستغفار می نمودید و پیغامبر آخرالزمان را اطاعت می کردید باوجود آن جرائم شما بخشوده نمیشد .

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الذِّينَ اَعْتَدُوا

و هر آئینه به تحقیق دانستید کسانی که تجاوز کردند

مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ

از شما در روز شنبه پس گفتیم ایشانرا

كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

باشید بوزینگان ذلیل

تفسیر : بنی اسرائیل به حکم تورات مامور بودند که ایام شنبه را به عبادت اختصاص دهند و در آن روز ماهی شکار نکنند آنها به تزویر در روز شنبه شکار میکردند خداوند به صورت بوزینگان آنها را مسخ کرد ، باوجود فهم و شعور بشری در همدگر می نگریستند و می گریستند سخن گفته نمی توانستند . سه روز باین صورت زنده بودند و مردند . این واقعه در روز گار حضرت داود (ع) بوقوع پیوسته ، در سورة اعراف به تفصیل ذکر میشود .

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا

پس گردانیدیم این واقعه را عبرت برای آن قوم که پیش ایشان حاضر بودند

وَمَا خَلَفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾

و آن قومیکه پس از ایشان آیند و پندی برای پرهیز گاران

تفسیر : این واقعه رابه مردمان آن روز کار و اخلاف ایشان مایه خوف و عبرت گردانیدیم یعنی (برای کسانیکه آن واقعه را دیده اند و آنانیکه بعد از آن پیدا شوند) بابرای عبرت و خوف مردمانیکه در قرای پیرامون آن شهر بودند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ

و یاد کنید هنگامی راکه محبت موسی بقوم خویش هرائینه خدا

يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً ط

میفرماید شمارا که ذبح کنید گاوی را

تفسیر : یاد کنید هنگامی راکه عامیل نامی در میان بنی اسرائیل کشته شد و قاتل وی پدید نبود .

موسی (ع) به حکم خدا گفت گاوی را ذبح کنید و قطعه از گوشت آن را بر مقتول بزنید وی زنده میگردد و کشتنده خویش را می نماید خداوند عامیل را به این طریق زنده کرد و عامیل گفت مرا و رله من به هوای مال من کشته اند .

قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ط

گفتند ما را استهزاء می نمایی

تفسیر : چه : زنده شدن مرده به وسیله پاره گوشت امریست که هیچگاه دیده و شنیده نشده .

قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ

گفت پناه میبرم به خدا که باشم (من) ع ۵

مِنَ الْجَاهِلِينَ ⑥

از جاهل

تفسیر : استهزاء کار بیخردان و جاهلان می باشد مخصوصاً در احکام شرع و از پیغمبر صدور این امر غیر ممکن است .

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ ٥

گفتند سوال کن بما از پروردگار خود تا بیان کند بما که آنکا و چگونه است
تفسیر : از عمر او پرسیدند که چند سال دارد پیر-است یا نو جوان .

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ

گفت هر آینه خدا میگوید هر آینه آن گاویست

لَا فَارِضٌ وَ لَا يَكْرُ ٥ عَوَاتٌ بَيْنَ

نه پیر و نه نو رسیده میانه است در میان

ذَلِكَ ٥ فافعلوا مآتو مرون ⑥ قالوا

پیری و جوانی پس بجا آرید آنچه را مامور شدید (گاو را ذبح کنید) گفتند

ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لُونَهَا ٥

سوال کن برای ما از پروردگار خود تا بیان کند برای ما که چگونه است رنگ آن

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ^۷

گفت هر آینه خداوند میگوید هر آینه آن گاویست زرد

فَاقِصُّ لَوْ نُفَهَا تَسْرُ النَّظِيرَيْنِ^{۶۹}

تیز است در زردی رنگ آن مسرور میسازد بینندگان را

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ^۷

گفتند سوال کن بما از پروردگار خود تا بیان کند بما که چه قسم است آن گاو
تفسیر: خوب واضح کند که این گاو چه نوع است و برای چه کار است.

إِنَّ الْبَقَرَ تَشْبَهُ عَلَيْنَا وَإِنَّا

هر آینه گاو مشتبه شده بر ما و هر آینه ما

إِنْ شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ^{۷۰} قَالَ إِنَّهُ

اگر خواسته باشد خدا راه یافتگانیم گفت هر آینه او تعالی

يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّأَدْلُؤٌ

میگوید هر آینه آن گاویست نه محنت کشنده^{۵۸}

تُشِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ ج

که قلبه کند زمین را و نه آبیاری کند زراعت را

مُسَلَّةٌ لِأَشْيَةٍ فِيهَا ط

بی عیب است نیست داغی در آن

تفسیر : در سرایای او هیچ نقص - داغ - خال و هیچ رنگ دیگری نمیباشد
خالص زرد است .

قَالُوا الْاُنْ جِئْتَ بِالْحَقِّ ط

گفتند اکنون آوردی سخن راست

فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ٧١ ع ٨

پس ذبح کردند آنرا و نزدیک نبودند که میکردند (نهی خواستند ذبح را)

تفسیر : این کاو از مردی نیک فطرت بود مردی که مادر خویش را بخوبی
خدمت میکرد یک پیمانه طلا به اندازه نه در پوست آن گاوی می گنجید دادند
و آنرا خریده کشتند مردم باور نمی کردند گاوی را که باین بهای گزاف
خریده اند ذبح کنند .

وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادُّرُوءُ ثُمَّ فِيهَا ط

و هنگامیکه کشتید نفسی را پس نزاع کردید در آن

وَاللَّهُ مُخْرِجُ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ج ٧٢

و خدا آشکار کننده است آنچه را پنهان می کردید ۵۹

تفسیر : اسلاف شما عامل را کشتند و بعضی قتل او را بر يك دگر حمل میکردند شما میخواستید (ضعف ایمان خویش یا کشتننده عامل را) پنهان دارید - خداوند (ج) می خواهد اسرار نهفته را آشکار نماید .

فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا ط

پس گفتیم بزنیید آنرا به پاره از گاو

تفسیر : قطعه گوشت گاو را بر مرده زدند به حکم خدا (ج) زنده شد و برخاست و از جراحات وی خون روان شد و اسمای قاتلان خود را نشان داد و گفت برادر زادگانم به طمع مال مرا در صحرا برده کشته بودند و دوباره و فات یافت .

كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى ۚ

همچنین زنده میگرداند خدا مردگان را

وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٢﴾

و می نماید بشما نشانه های قدرت خویش را تا شما فکر کنید

تفسیر : خدای قدیر متعال در قیامت نیز به قدرت کامل خویش مردگان را چنین زنده گرداند و علایم توانائی خود را پیش نگاه بصیرت شما جلوه دهد تا شما در آن بیندیشید و بدانید که حضرت او میتواند که مردگان را زنده کند .

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

باز سخت شد دلهای تان بعد از آن

تفسیر : عامل زنده شد - قدرت خدا (ج) را مشاهده کردید اما دلهای شما نرم نشد .

فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً ط

پس آنها مانند سنگ اند یا بیشتر در سختی

وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ

و هر آئینه بعضی از سنگها آنست که روان میشود

مِنْهُ الْأَنْهَارُ ط وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقُّ

از آن جوی ها و هر آئینه بعضی از سنگها آنست که شق میشود

فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ ط وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا

و بیرون می آید از آن آب و هر آئینه بعضی از سنگها آنست

يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ط وَمَا لِلَّهِ

که فرو می غلطد از خشم خدا و نیست خدا

يَغَافِلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

بی خبر از آنچه می کنید

تفسیر : بعضی از سنگها چنان می باشد که بیشتر سود میدهد و جوی ها از آن جاری میشود و آب فراوان بیرون می آید و از بعضی نسبت بنوع اول کمتر آب می برآید و اندک منفعت میدهد از بعضی هیچ نفع نمیرسد اما يك نوع الر و تالردر آن موجود می باشد دل های ایشان ازین هر سه نوع سنگ سخت تر است نه از آن ها مفادی میرسد و نه در آن ها خیری پیداست خداوند از اعمال شما هرگز بی خبر نیست .

أَفَتَطْعَمُونَ أَنْ يُوَفَّىٰ لَكُمْ

آیای مسلمانان طمع دارید که آنها باوردارند «سخنان» شما را

وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ

و به تحقیق بود گروهی از ایشان که می شنیدند

كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ

کلام خدا را باز تحریف میکردند آنرا بعد از آن

مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾

که فهمیده بودند آنرا و ایشان میدانند

تفسیر : فریق عبارت از کسانیست که باموسی ع بفرض استماع کلام

خداوند بکوه طور رفته بودند و چون باز گشتند سخنانی از خود ساخته و به

بنی اسرائیل گفتند ما شنیدیم خداوند در آخر کلام خویش گفت اگر خواهید

باین احکام عمل کنید و اگر نتوانید بترك آن مختارید بعضی گویند کلام

الهی تورات است و تحریف آن است که (در آیات تورات تغییر لفظی

و معنوی می نمودند) چون تبدیل او صاف حضرت یحییٰ و عیسی و عیسی

رجم و امثال آن

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا

و چون ملاقات کنند با کسانی که ایمان آورده اند گویند ایمان آوردیم

وَإِذَا أَخْلَا بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ قَالُوا

و هنگامی که تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی گویند

أَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللَّهُ

چرا میگوئید (آیا خبر میدهید) ایشانرا به آنچه ظاهر کرده خدا

عَلَيْكُمْ لِيُحَاكِبُوكُم بِه

بر شما تا مناظره کنند باشما به آن

عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

بعضور پروردگار شما آیا در نمی یابید

تفسیر : منافقان یهود ستایش حضرت پیغمبر (ص) را که در کتاب ایشان بود از تملق به مسلمانان اظهار میداشتند یهودان دیگر ایشانرا ملامت میکردند و میگفتند چرا از کتاب خویش به مسلمانان سند میدهید نمیدانید مسلمانان در اثر اخبار خود شما ، شما را به حضور پروردگار ملزم کرده گویند یهود پیغمبر آخر الزمان را صادق دانستند اما ایمان نیاوردند آنگاه لاجواب خواهیدماند .

أَوَلَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

آیا نمیدانند که هر آینه الله میداند

مَا يُسْرُونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٧﴾

آنچه را پنهان میکنند و آنچه آشکار مینمایند

تفسیر : پنهان و آشکار ایشان به پیشگاه خداوندی تماماً روشن است حضرت او میتواند که تمام دلایل کتاب آنها را بر مسلمانان آشکار سازد چنانچه در مواقع آن اطلاع داده است یهود آیت رجم را پنهان کردند خداوند (ج) آنرا ظاهر نموده و سبب فضیحت یهود گردانید، چنین گردید حال دانشمندان ایشان که دعوی دانش و کتاب داشتند .

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ

وبعضی از ایشان ناخواندند و نمیدانند کتاب را

إِلَّا آمَانِي وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾

مگر آرزو های دروغ و نیستند مگر که گمان میکنند

تفسیر : بی دانشان یهود بر نبشته های تورات اطلاع ندارند مگر بر آرزوی چند که از سخنان دروغ علمای خویش شنیده اند (مثلا در بهشت جز یهود دیگری نتواند رفت و اجداد ما حتماً از ما شفاعت میکنند) این همه تخیلات بی اصل است و دلیلی بر آن ندارند .

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ

پس عذاب است به کسانی که می نویسند کتاب را

بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا

بدست های خود باز می گویند این

مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ط

از جانب خداست تا بخرند عوضی بهای اندک

فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ

پس عذاب است بایشان از آنچه نوشته دستهای شان

وَوَيْلٌ لَّهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ﴿٧٩﴾
و عذاب است نایشان از آنچه کسب میکنند

تفسیر : اینها کسانی هستند که سخنانی به معیار ذوق و اندیشه های عوام

از خود ساخته می نوشتند و آنرا به حضرت خداوند منسوب میداشتند
مثلا در تورات نوشته بود که پیغامبر آخر الزمان با چهره زیبا ، چشمان
سیاه ، قامت میانه گیسوان مجعد (تابدار) رنگ گندمی ، متولد میشود ،
علمای یهود آنرا تحریف نمودند و در شمائل فرخنده وی از خودنگاشتند
که قامت او بلند چشمان او کبود ، موهای او راست می باشد تا عوام نبوت
حضرت وی را تصدیق نکنند و منافع دنیوی ایشان را فتوری نرسد .

وَقَالُوا لَنْ نَمْسَا النَّارَ إِلَّا
و گفتند هرگز به آتشی نمیرسیم

أَيَّامًا مَّعْدُودَةً ط
روز های شمرده شده

تفسیر : این ایام به قول بعضی هفت روز است و به قول بعضی چهل روز

(که مدت عبادت گوساله بود) و بعضی گویند چهل سال است و (آن مدت
سرگردانی تیه باشد) و بعضی گویند بقدری که در دنیا زندگی کرده اند .

قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا
بگو آیا گرفتید از نزد الله پیمانی

فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ
پس هرگز خلاف نکند الله پیمان خود را بلکه میگوئید

عَلَى اللَّهِ مَالًا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾

بر الله آنچه نمی‌دانید

تفسیر : این سخن که یهود در دوزخ جاوید نمی ماند صحیح نیست چرا که قاعده کلیه خلود دوزخ و بهشت که در آینده بیان میشود در باب همه مردم یکسان نفاذ می یابد ازین قاعده کلیه یهود مستثنی نیست .

بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ

چرا چنین نباشد هر که کرد گناه و احاطه نمود

بِهِ خَطِيئَتُهُ

باو گناه او

تفسیر : مقصد از احاطه گناه این است که گناه چنان بر کسی مستولی شود که ظاهر و باطن و جودش به گناه محاط باشد بنابراین اگر تنها تصدیق و ایمان در دل باشد هم احاطه گناه و قوع نمی یابد و این لباس خاص بر وجود کافر راست می آید .

فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ

پس ایشانند اهل دوزخ ایشان

فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا

در آن جاویداند و کسانی که ایمان آوردند ۶۶

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

و کردند اعمال شائسته ایشانند اهل

الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٦﴾ وَإِذْ

بهشت ایشان در آن جاوید اند و بیادآور زمانه

أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَٰءِيلَ

گرفتیم پیمان بنی اسرائیل را

لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ ۚ وَبِالْوَالِدَيْنِ

که پرستید مگر الله را و احسان کنید بوالدین

إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

احسان کردنی و بر اهل قرابت و بکودکان یتیم

وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

و بی نوابان و بگویند به مردم سخن نیک

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را ۶۷

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ

پس برگشتید مگر اندکی از شما

وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿۱۳﴾

(حال آنکه) شما روگردانندگانید

تفسیر : یعنی اعراض از احکام خداوند ، عادت ، بلکه طبیعت شما شده

وَإِذَا أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَآتُسْفِكُونَ

(و) (بیاد آورید) زمانی که گرفتیم پیمان شما را که میزید

دِمَاءَ كُمْ وَلَا تَخْرُجُونَ أَنْفُسَكُمْ

خونهای یکدیگر را و بیرون مکنید (قوم) خود هارا

مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ

از دیارتان پس اقرار کردید و شما

تَشْهَدُونَ ﴿۱۴﴾

گواهی میدهید (قبول کردید)

تفسیر : قوم خود را قتل مکنید و فرار منمائید .

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ

باز شما آن گروهید که می کشید همدیگر خود هارا

وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنْكُمْ مِّن دِيَارِهِمْ

و بیرون می کنید گروهی از خودهارا از دیار ایشان

تُظْهِرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

پشتیبانی میکنید بایکدیگر برایشان بگناه و ظلم

تفسیر : یهود مدینه دو دسته بودند : بنی قریظه و بنی نضیر ، هر دو دسته باهم سخت دشمنی و جنگ داشتند ، مشرکان نیز در مدینه دو طبقه بودند اوس و خزرج این دو طبقه راهم عداوت شدید در میان بود ، بنی قریظه با اوس و بنی نضیر با خزرج حلیف گردیدند هنگام جنگ طوایف یهود هر کدام حلیفان و دوستان خود را حمایت میکرد دند ، هرگاه یکی غلبه می آمد جماعت مغلوب را نفی بلد میکرد و خانمان او را خراب می نمود اما اگر از یهود کسی اسیر میگرفت همه آنها اتفاق می کردند و اعانه گرد آورده او را نجات میدادند ، چنانچه در آیه بعد به تفصیل بیان میشود .

وَإِنْ يَأْتِ تَوْكُّمُ اسْرَى تَفْدُوهُمْ

و اگر بیایند بشما اسیران فدیة میدهند و خلاص میکنید ایشانرا

وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ

حالانکه آن حرام شده است بر شما بیرون کردن ایشان

أَفْتَوْا مِنْهُمْ بِبَعْضِ الْكِتَابِ

آیا ایمان می آورید به بعضی از کتاب

وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ

و کافر میشوید به بعضی دیگر

تفسیر : اگر قوم خود شان اسیر دست غیر میگردد در نجات او میکوشیدند اما خود شان حاضر بودند که آنها را بیازارند و حتی به قتل رسانند اگر به فرمان خداوند عمل میکنید در هردو جا یکسان پیروی کنید

فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ

پس نیست جزای کسیکه کند چنین از شما

الْآخِرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ

مگر رسوائی در زندگانی دنیا و در روز

الْقِيَامَةِ يَرْدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ

قیامت گردانیده شوند بسوی سخت ترین عذاب

وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۰﴾

و نیست خدا بی خبر از آنچه میکنید

تفسیر : بعضی احکام را می پذیرید ، از بعضی انکار می ورزید چون تجزیه ایمان ممکن نیست کسی که بر بعضی احکام انکار ورزد کافر مطلق گردد و از ایمان برپاره از احکام هیچ ایمان او را نصیب نباشد ازین آیت واضح است که هر که اوامر شرع را در قسمتی متابعت کند و در تسلیم قسمتی که به غرض و طبع و عادت او منافات داشته باشد تقصیر ورزد آنچه را در بعضی احکام متابعت نموده بوی سودی نبخشد .

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

ایشان آنانند که خریدند زندگانی دنیا را

بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ

عذاب

پس سبک نمیشود از ایشان

به آخرت

وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ (۱۶)

و نه ایشان مدد داده میشوند .

تفسیر : مفاد این جهان را در مقابل آن جهان پذیرفتند ، بکسانی که پیمان بسته بودند پیاس دنیا وفا نمودند و باحکام الهی اعتنائی نکردند . کیست که بیارگه کبریائی از آن ها شفاعتی یا حمایتی کرده تواند .

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا

و به تحقیق دادیم موسی را کتاب و پی در پی فرستادیم

مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا

بعد از وی پیغمبران را و دادیم

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ

عیسی پسر مریم را معجزات روشن و نیرو بخشیدیم او را

بِرُوحِ الْقُدُسِ ط

بروح مقدس (جبرائیل)

تفسیر : احیای اموات ، شفای اکمه و ابرص - (کور مادر زاد - پیس) آوردن اخبار غیب معجزه آشکار حضرت مسیح است - روح القدس جبرئیل است

که همیشه باوی می بود . یاروح القدس عبارت از اسم اعظم است که به طفیل آن حضرت مسیح مردگان را زنده میگردانید.

أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا

آیا (پس) هرگاه بیاورد نزد شما پیغامبری آنچه

لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ

دوست ندارد نفسهای شما تکبر کردید

فَفَرِّقَا كَذَّبْتُمْ

پس جماعتی را تکذیب نمودید

تفسیر : حضرات مسیح و محمد علیهما السلام را تکذیب کردند

وَفَرِّقَا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾

و جماعت را کشتید

تفسیر : زکریا و یحیی علیهما السلام را کشتند

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ يَلْعَنَهُمُ اللَّهُ

و گفتند دل های ما در غلاف است بلکه لعنت کرده ایشانرا خدا

يَكْفُرُ بِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُوْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

به سبب کفرشان پس اندکی از ایشان ایمان آوردند

ن نا خوا

تفسیر : یهود خویشتن را ستوده میگفتند دلهای ما مصون درغلاف است به جز حرف دین خودما چیزی بهما تأثیر نمی افکند ما پی کسی به تعلق و خدعه و سحر بیان اونیرویم - خداوند به تردید آنها فرمود ایشان دروغگویند خدا آنها را به علب کفر شان ملعون قرار داده و از رحمت خود دور کرده آنها به هیچصورت دین حق را نمی پذیرند و به دولت ایمان مشرف نمیشوند .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ

و هر گاه پیامدایشانرا کتابی از جانب خدا

مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ^۷ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ

تصدیق کننده کتابی را که با ایشان است و بودند که از پیش

يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا^۸

فتح می خواستند بر کسانی که کافر شدند

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ^۹

پس هر گاه آمد بایشان آنچه که شناخته بودند کافر شدند باو

فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ^(۱۹)

پس لعنت خداست بر کافران

تفسیر : آن کتاب که اکنون بایشان فرود آمده قرآن و کتاب سابق آنها تورات است ، یهود قبل از فرود آمدن قرآن چون مغلوب میشدند دعا می کردند و می گفتند : خداوندا ! به طفیل پیغمبر آخرالزمان و به حرمت کتابیکه باو فرود می آید ، ما را مظهر و منصور گردان ، چون حضرت وی مبعوث گردید یهود باوجود مشاهده تمام علامات انکار ورزیدند و ملعون شدند .

يُسَبِّحُهَا اشْتَرَوْا بِهَا أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا

بد چیز است آنچه فروختند به آن نفسهای خود را اینکه کافر می شوند

بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ

بآنچه فرو فرستاده خدا به سبب حسد که فرو فرستد خدا

مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

از فضل خویش بر هر که خواهد از بندگانش خود

تفسیر : خویشتن را بکفر فروختند باین صورت که قرآن مبین را محض از قسط حسدانکار کردند

فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ

پس باز گشتند بخشمی بالای خشمی

تفسیر : خشم اول آنست که قرآن را قبول نکردند و از کتاب پیشین خویش نیز انکار ورزیدند ثانیاً به مقتضای حسد و عناد از پیغمبر عصیانحراف و خلاف نمودند

وَاللَّكَفِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝۹۰

و کافران داست عذاب ذلت (خواری) دهنده

تفسیر : معلوم شد که هر عذابی برای اهانت و ذلت نمی باشد - بلکه

عذاب مسلمانان در اثر جرایم ایشان برای تطهیر آن ها از گناه است نه

برای توهین - مگر بکافران که عذاب مایه توهین ایشانست

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ امْنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

و چون گفته شود بایشان که ایمان بیاورید به آنچه فرو فرستاده است خدا

قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا

گویند ایمان می آوریم به آنچه فرستاده شده بر ما

وَيَكْفُرُونَ بِهَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ

و کافر میشوند به آنچه غیر آن است حال آنکه آن راست است

مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ط

تصدیق کننده است کتابی را که بایشان است

تفسیر : آنچه خدا فرستاده یعنی انجیل و قرآن و آنچه بما فرود آمده یعنی

تورات ، مطلب اینکه جز تورات از دیگر کتب انکار می کنند - انجیل و

قرآن را نمی پذیرند - حال آنکه این کتاب ها راست و درست است و

تورات را تصدیق میکنند .

قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ

گو پس چرا می کشتید پیغمبران الله پیش ازین

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ①

اگر هستید مؤمنان

تفسیر : آنها را بگوئید اگر شما واقعا به تورات ایمان دارید چرا پیغمبران را کشتید . چه از احکام تورات است که هر پیغمبری که تورات را راست شمارد بالضرور بهوی ایمان آرید و او را نصرت دهید - شما پیغمبران را کشتید ، پیغمبرانی که در روزگار پیشین به احکام تورات عمل می کردند و به غرض اجرا و ترویج آن مبعوث شده بودند مانند زکریا و یحیی (ع) در این مسئله هیچ جای تردید و تأمل نیست که آنها به تورات تصدیق داشتند . (این نکته از کلمه «من قبل» ظاهر است) .

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِآلْبَيِّنَاتٍ

و به تحقیق آورد به شما موسی معجزات روشن را

ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ

پس گرفتید گوساله را (بخدائی) بعد از رفتن وی

وَإِنَّتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٧﴾

و شما ستمکارانید

تفسیر : شما دعوی دارید که بر شریعت موسی پابندیم و از دیگر شرائع حقه انکار می نمایند این دعوی شما درست نیست - شما را موسی معجزات روشن نشان داد (ید بیض نمود - عصا اژدها گردید - دریای خروشان از هم درید) و امثال آن ، اما چون موسی (ع) روزی چند به طور رفت شما در آن مدت گوساله را بخدائی گرفتید .

حال آنکه حضرت موسی (ع) حیات داشت و به نبوت خویش استوار بود ایمان شما نسبت به شریعت او در آن وقت کجا بود - امروز بنابر حسد و دشمنی به حضرت پیغمبر (ص) خوشتن را به شریعت موسی چنان متمسک نشان می دهید که از احکام خدا (ج) سر باز میزنید بلاشک شما ستمکارید پدران و نیاکان شما نیز ستمکاران بودند - این بود حال بنی اسرائیل با موسی پس ازین چگونگی ایمان شما را نسبت به تورات بیان می فرماید .

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا

و هنگامیکه گرفتیم پیمان شمارا و بلند کردیم

فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ

بالای شما کوه طور را گفتیم بگیریید آنچه دادیم شمارا

بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قُلُوبًا سَمِعْنَا

به قوت و بشنویید گفتند شنیدیم

وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمْ

و نافرمانی کردیم و آمیخته شد در دلهای شان

الْعَجَلَ يَكْفُرِهِمْ

مجبّت گوساله بسبب کفر آنها

تفسیر : چون مکلف شدند که احکام تورات را بهمت و نیرو استوار گیرند کوه برایشان معلق بایستاد و از ترس جان تنها بزبان یانشا در آن وقت گفتند «سمعنا» (احکام تورات را شنیدیم) در دلهای خویش یا بعدا گفتند «عصینا» (آنها قبول ندارند) در دلهای آنها ظاهر پرست بود و به علت کفر باطن تا آخر آن زنک از قلوب شان زدوده نشد و متدرجا افزونی گرفت.

قُلْ بِئْسَ مَا يَكُونُ لَكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ

بگو بد چیز است آنچه امری کند شما را به آن ایمان شما

إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ
اگر هستید مؤمنان بگو اگر هست

لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً
شمارا سرای آخرت نزد خدا تنها

مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ
بجز از مردم دیگر پس آرزو کنید مرگ را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾
اگر هستید راستگویان

تفسیر : یهود دعوی میکردند که در بهشت جز ما کسی نمی رود و بما عذابی
نمی باشد - خداوند متعال گفت اگر شما به راستی اهل بهشتید و عذاب
نمی شوید چرا از مرگ می ترسید .

وَلَكِنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ
و هرگز آرزو نخواهند کرد مرگ را هیچگاه به سبب آنچه پیش فرستاده

أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾
دستهای شان و خدا نیک داناست به ستمکاران

وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى

و هر آینه بیابای ایشانرا حریص ترین مردم بر

حَيَوةٍ^ج وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا^ج

زندگانی و حریص ترا از کسانی که شرک آورده اند

يَوْمَ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ^ج

دوست میدارد يك يك از ایشان کاش عمر داده شود هزار سال

وَمَا هُوَ بِمَرْحُومٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ

و نیست آن رها ندهوی از عذاب که

يُعَمَّرُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ^{ع۱} ۹۶

عمر داده شود و خدا نیک بیناست به آنچه میکنند

تفسیر : یهود چنان کارهای زشت نموده اند که از مرک کناره گرفته

بسیار میترسند و میگویند پس از مرک خیری وجود ندارد حتی از مشرکان

بر زندگانی خود حریص تراند ازین جهت ادعاهای شان صراحتاً تکذیب

شده .

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجَبْرِيلَ فَإِنَّهُ

بگو هر که باشد دشمن جبریل را (بمیرد از خشم) پس هر آینه او

نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ

فرود آورد آنرا بر دل تو بحکم خدا

مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى

در جالبه تصدیق کننده است آن کلامی را که پیش از وی است و هدایت

وَبُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝۹۶

و بشارت دهنده است مؤمنان را کسی که باشد

عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ

دشمن خدا را و فرشتگان وی را و پیغمبران وی را

وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ

و جبرئیل و میکائیل را پس هر آینه خدا

عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ۝۹۷

دشمن است از آن کافران را

تفسیر : یهود میگفتند جبرئیل که به پیغمبر و حی می آورد دشمن ماست

اسلاف ما از وی به رنج بودند اگر جز جبرئیل فرشته دیگری به محمد

« ص » وحی می آورد ما به وی ایمان نمی آوردیم - خداوند در جواب ایشان

گفت : فرشتگان از خود چیزی نمی کنند - هر چه نفاذ میدهند بحکم

خداوند است - خدا کسی را دشمن نیست که با آنان دشمنی می ورزد .

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ

و به تحقیق فرو فرستادیم بسوی تو نشانه‌های روشن

وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩﴾

و انکار نمی کنند به آن مگر بیرون رونده گان از فرمان خدا

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ

آیا هر گاه که بستند پیمان را برانداخت آنرا گروهی

مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

از ایشان بلکه بیشترشان باور نمی دارند

تفسیر : یهود از پیش عادت دارند که هر عهده‌ای که با خدا و پیغمبر وی
و یا با دیگری بستند از خود ایشان جماعتی برمی‌خیزند و میثاق خود را

نقض می‌نمایند - بسا از یهود بر تورات ایمان نیاوردند و از نقض میثاق

باکی ندارند .

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ

و هر گاه آمد بایشان فرستاده از جانب خدا

مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ

تصدیق کننده به آنچه بایشان است برانداخت گروهی

مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ^{قَالَ} كِتَابَ اللَّهِ

از آنان که داده شده اند کتاب کتاب خدا را

وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ^{۱۰۱}

پس پشتهای خویش گویا ایشان نمیدانند

تفسیر : مراد از رسول، حضرت محمد (ص) و مراد از مامعهم و کتاب الله تورات است یعنی هنگامی که پیغمبر (ص) مبعوث گردید (باوجود آنکه به تورات و دیگر کتب آسمانی تصدیق داشت) جماعتی از یهود تو را ت را در قفا افکندند، گویا نمی دانستند که آن چه کتابی بود و چه احکامی در آن مندرج است - از آنها که به کتاب خویش ایمان ندارند در آینده چه امیدی باید داشت .

وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانُ

و پیروی کردند آنچه را می خوانند شیطانان

عَلَىٰ مَلِكٍ سُلَيْمَنَ ^ج

بر عهد پادشاهی سلیمان

تفسیر : آن گروه نادان کتاب خدا را در قفا افکندند، از شیطان جادو آموخته و به متابعت آن پرداختند .

وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيْطَانُ

و کفر اختیار نکرده سلیمان و لکن شیطانان

۱

۲

كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ لَا لِسِحْرٍ^ق

کافر شدند می‌آموختند مردم را جادو

وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ

و پیروی کردند چیزی را که فرود آمد به دو فرشته به شهر بابل

هَارُوتَ وَهَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَنِ

که نام شان هاروت و هاروت است و نمی‌آموختند

مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ

هیچیک را تا آنکه می‌گفتند جز این نیست که ما

فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ^ط فَيَتَعَلَّمُونَ

آزمایشیم (پس) کافر مشو (پس) یاد می‌گرفتند

مِنْهُمَا مَا يَفْرِقُونَ بِهِ^ط بَيْنَ الْمَرْءِ

از ایشان آن جادویی را که جدائی می‌افکنند بدان در میان مرد

وَزَوْجِهِ^ط وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ

و ز نش و نبودند ایشان زیان رسانندگان به جادو ۸۳

مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ

هیچ یک را مگر با اراده خدا و می آموختند

مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ

آنچه زیان میرساند ایشانرا و سود نمیداد ایشانرا و هوائینه

عَلِمُوا الْمَنَاسِكَ اشْتَرَاهُ مَالَهُ فِي الْآخِرَةِ

نیک دانستند یهود هرگاه اختیار کرد آنرا نیست اوراداران جهان

مِنْ خَلْقٍ قَلِيلٍ وَلَيْئَسَ مَا شَرَوْا بِهِ

هیچ بهره و بسیار بد چیز است آنچه فروختند عوض وی

أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَوْ

نفس های خود را اگر میدانستند و اگر

أَنْتَهُمْ أَمْنُوا وَاتَّقُوا الْمَشُوبَةَ مِنْ عِنْدِ

(هوائینه) ایشان ایمان می آوردند و تقوی میکردند هوائینه پاداش از نود

اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْكَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

خدا بهتر است اگر میدانستند

تفسیر : خلاصه یهود علم دین و کتاب را ترك گفتند و پیرو سحر گردیدند
 سحر ازدوجاسرچشمه گرفته : اولاً بازو زگار سلیمان (ع) . در آنوقت
 مردم باجنیان آمیزش داشتند و از شیطانها جادو آموختند و جادو رابه
 حضرت سلیمان نسبت کردند و گفتند ما این فن را از وی آموختیم ، سلیمان
 (ع) که برجن و انس حکومت داشت به نیروی جادو بود ، اینست که خداوند
 فرمود (این کار کفر است و از سلیمان نیست) دوم از عهد هاروت و ماروت
 که دو فرشته بودند به صورت انسان در میان مردمان ، در شهر بابل ساکن
 و در فن جادو علم داشتند - ایشان طالبان این فن را باز میداشتند و میگفتند
 دانستن سحر موجب زوال ایمان است . اما اگر کسی به یاد گرفتن جادو
 اصرار میورزید به وی می آموختند ، مقصد ازین کار معامله آزمایش با بندگان
 بود - خداوند فرمود در این علوم جز خسارت دنیا و ضرر قطعی آخرت مفادی
 متصور نیست - و جز به اراده خداوند کاری کرده نمیتوانند و به نزد
 پروردگار ثواب در آموختن علم دین و کتاب است .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا

(ای کسانی که ایمان آورده اید) ای مومنان مگوئید

رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا

راعنا و بگوئید و انظرنا و بشنوید

وَاللَّكَفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۱۳

و مر کافران عذاب دردناک

تفسیر : یهود چون به مجلس فرخنده حضرت نبوی (ص) حاضر میشدند
 و کلام قدسی نظام اورا می شنیدند هرگاه بعضی کلمات خوب به گوش
 آنها نمیرسید و می خواستند دوباره بپرسند می گفتند (راعنا) یعنی بجانب
 ما توجه کن و رعایت نما ، مسلمانان نیز چون این کلمه را از زبان یهود
 می شنیدند گاهی استعمال میکردند . خداوند (ج) از گفتن این کلمه نهی فرمود که
 بجای (راعنا) (انظرنا) بگوئید که معنای آن نیز همین است اگر در اول به
 سخنان پیغمبر به توجه گوش نهید به سوال مکرر حاجت نمی افتد - اما

یهود این کلمه را به نیت بلوغریب ادا میکردند و هرگاه اندکی کسره ر
اشباع میدادند (راعنا) به (راعینا) بدل میگشت و معنای آن (شبان‌ما) میشد
و در زبان یهود (راعنا) مرد احمق را نیز میگویند .

مَا يَوْكُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

دوست نمیدارند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب

وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ

و نه مشرکان که فرود آورده شود

عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ

بر شما چیزی از نیکوئی از پروردگار شما و الله

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

اختصاص میدهد به مهربانی خویش آنرا که خواهد و الله

ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ①

خداوند فضل بزرگ است

تفسیر : کافران نزول قرآن را هرگز نمی پسندند ، خواه یهود باشند خواه
مشرکان مکه ، یهود میخواهند پیغمبر آخر الزمان در بنی اسرائیل بوجود آید
و مشرکان (چون ابوجهل و امثال آن) آرزو دارند این آفتاب سعادت از افق
امید آنها طالع گردد .

خداوند جل مجده به فضل و عنایت خود پیغمبر آخر الزمان را از میان
مردمان امی برگزید .

مَا نُنْسخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسخُهَا نَأْتِ
اگر نسخ میکنیم از آیتی یا فراموش میگردانیم آنرا میفرستیم

بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ
بہتر از آن یا مانند آن آیا نمیدانی

أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۰۶﴾

هر آئینه الله بر هر چیزی تواناست

تفسیر : یکی از طعنه های یهود این بود که میگفتند اگر کتاب شما از جانب خداوند فرود می آید بعضی آیات در آن منسوخ نمیگردید زیرا مگر خداوند بر عیبی که موجب نسخ آیت گردیده در اول آگاه نبود ، خداوند در جواب آنها فرمود که نه در آیت اول عیبی بود نه در آیت ثانی لیکن اوتعالی حاکم مختار است هر چه مناسب وقت باشد فرمان دهد وقتی مناسب چنان بود و وقتی مناسب چنین است .

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

آیا نمیدانی هر آئینه الله مراوراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و زمین و نیست شمارا جز الله

مِنْ دُونِي وَلَا نَصِيرٌ ﴿۱۰۷﴾

هیچ دوست و نه هیچ یاری دهنده

تفسیر : یعنی قدرت و مالکیت الهی بر عامه مخلوقات شامل است و بر بندگان خویش به حد اوفی و اتم عنایت و رحمت دارد . اطلاع بر منافع و مصالح و قدرت بر آن کرا میسر است و که می تواند خیر بندگان او را چون او بخواهد .

أَمْ تَرْيَدُونَ أَنْ نَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ

آیا می خواهید که پرسید پیغمبر تان را

كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ

چنانچه پرسیده شد موسی پیش ازین

وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ

و هر که بستاند کفر را عوض ایمان

فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ①

پس هر آئینه گم کرد راه راست را

تفسیر : سخنان یهود را هرگز مورد اعتبار قرار ندهید اگر اشتباهاتی که یهود وارد می نماید کسی را به شبهه افکندوی کافر شد شما ازین امر احتیاط کنید و به اثر قول یهود در محضر پیغمبر خویش شبهه نکنید چنانچه یهود با پیغمبر خود می کردند .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ

دو ست دارند بسی از اهل کتاب

لَوْ يَرُّوْا نَكْمٌ مِّنْ بَعْدِ اِيْمَانِنَا نَكْمٌ

اگر باز گردانند شمارا پس از ایمان شما

كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ اَنْفُسِهِمْ

کافران کینه حسدی که نشئت کرده از نفسهایشان

مِّنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمُ الْحَقُّ

پس از آنکه آشکار شد برایشان حق

تفسیر: ای مسلمانان ایهود اکثر در صدد آنند که چگونه شما را از راه حق باز گردانند و دو باره در حلقه کافران داخل سازند - حال آنکه بریهود مکشوف است که دین شما، کتاب شما، پیغمبر شما، همه راست و صادق است

فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ

پس درگذرید و روی گردانید تا آرد

اللَّهُ بِأَمْرِهِ

الله فرمان خویش را (که قتل است)

تفسیر: تا هنگامی که حکم مانرسد سخنان یهود را تحمل کنید و اخیراً حکم فرا رسید که آنها را از حوالی مدینه خارج سازید.

إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر آئینه الله بر هر چیز تواناست

تفسیر : شما از ناتوانی خویش در اندیشه نباشید ، خداوند به قدرت کامل خود شما را فیروزی میدهد و یهود را ذلیل و سر افکنده می سازد یا اینکه به علت عجز تأخیری نمی شود .

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ

و برپا دارید و نماز را و بدهید زکوة را

وَمَا تَقْدِمُوا إِلَّا أَنْفُسَكُمْ مِنْ خَيْرٍ

و آنچه پیش میفرستید برای نفسهای تان از نیکوئی

تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِهَا

می یابید آنرا (توابع آنرا) نزد خدا هر آینه خدا به آنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۱۰

می کنید نیک بیناست

تفسیر : ایلای یهود را تحمل کنید و در عبادات مشغول باشید خداوند هیچگاه از اعمال شما غافل نیست . کارهای نیک شما به بارگاه او ضایع نمی گردد .

وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ

و گفتند هرگز ندآید به بهشت مگر آنکه

كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِي

باشد یهود یا نصاری

تفسیر : یهود ادعا داشتند که جز ما دیگری به جنت داخل نمی شود و نصاری
ملعی بودند که جز ما دیگری به جنت داخل نمی گردد .

تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ

این آرزو های (باطله) شان است بگو بیاورید حجت خویش را

إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ

اگر هستید راستگویان چنین نیست (بلی) کسیکه منقاد گردد

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ

روی خود را برای الله و وی نیکوکار باشد پس او راسته توأب او

عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ

نزد پروردگارشان و نیست خوفی برایشان

۳
۴

وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٢﴾

و نه ایشان اندوهگین شوند

تفسیر : کسانی که احکام الهی را (بذریعہ هر پیشمبری که رسیده باشند)
اطاعت کردند و بر عصیبت و آئین ملی چون یهود اصرار نورزیدند
نصیب اوشان پاداش نیک است نه ایشان را بیمی است و نه حزنی .

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ

و گفت یهود نیست نصاری

عَلَى شَيْءٍ ۝ وَقَالَتِ الْنَّصْرَى

بر هیچ راهی (چیزی) و گفت نصاری
لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ ۝ وَهُمْ

نیست یهود بر هیچ راهی (چیزی) حال آنکه ایشان

يَتْلُونَ الْكِتَابَ ۝

میخوانند کتاب را

تفسیر : یهود هنگامیکه تورات را خواندند این مسئله را دانستند که نصاری چون عیسی (ع) را پسر خدا خواندند بالضرور کافرند و نصاری چون انجیل را مطالعه کردند بر آنها واضح شد که چون یهود نبوت عیسی را منکر شدند کافرند .

كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

همچنین گفتند آنانیکه نمیدانند

مِثْلَ قَوْلِهِمْ ۚ قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ

مانند گفته ایشان پس الله حکم میکند

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كَانُوا

میان ایشان روز قیامت در آنچه

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٣﴾

اختلافات داشتند

(در آن)

تفسیر : مراد از جاهلان در اینجا مشرکان عرب و بت پرستان است یعنی همچنانکه یهود و نصاری همگرا گمراه میخوانند ، بت پرستان نیز جز خود تمام ارباب مذاهب را گمراه و بیدین می شمارند . اینها در دنیا هرچه خواهند بگویند در روز قیامت فیصله میشود .

فائده : در اینجا شبهه وارد میشود که چون «كذلك» ذکر شد به ذکر (مثل قولهم) حاجت نمی افتد . بعضی مفسرین جواب داده اند: ذکر (مثل قولهم) برای توضیح و تاکید (كذلك) می باشد بعضی گویند چون جدا جدا و تشبیه است برای هر تشبیه کلمه جداگانه ذکر شد مراد در تشبیه اول این است که گفته اینها با گفته آنها مشابه است یعنی چنانکه آنها دیگران را گمراه می خوانند اینها نیز چنین میگویند . مراد در تشبیه دوم این است که همچنانکه دعوی اهل کتاب بی دلیل و مبنی بر مقتضیات نفس و عداوت است دعوی بت پرستان نیز بدون دلیل و متکی بر خرافات نفس می باشد .

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَّنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ

و کیست بیدادگوتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را

أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ

از آنکه یاد کرده شود در آنها نام او و کوشید

فِي خَرَابِهَا

در ویرانی آن

تفسیر : این آیت در باره نصاری فرود آمد که آنها با یهود قتال کردند تورات را سوختند و بیت المقدس را ویران کردند یا درباره مشرکان مکه

نازل گردیده که آنها بر حسب عناد و تعصب خویش در مقام حد یبیه مسلمانان را از زیارت مسجد الحرام (بیت الله العبارك) منع کردند و هر که هر مسجد را خراب کند در این حکم داخل است

أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ

آن گروه نمی سزد مرایشانرا که

يَدْخُلُوها إِلَّا خَائِفِينَ ط

در آیند در آنها مگر ترسندگان

تفسیر : کافران مذکور را سزاوار این بود که در مسجد های الهی به خوف و تواضع و ادب و تعظیم می در آمدند و این ظلم صریح است که آنجا از راه بی احترامی پیش آمدند - یا اینکه لیاقت زندگی با عزت و حکومت را در آن دیار ندارند و همچنان صورت گرفت که کشور شام و سر زمین مکه را جدا (ج) از دیگران اخذ و به مسلمانان بخشید .

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ق لا

مرایشانراست در دنیا ذلت

تفسیر : یعنی در دنیا مغلوب شدند و باسارت رفتند و جزیه ده مسلمانان گردیدند .

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝۱۳

و مرایشانراست در آخرت عذاب بزرگ

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا

و هر خدایراست برآمدگاه آفتاب و فرودگاه آفتاب پس هر سو

تَوَلَّوْا فِثْمَ وَجْهِ اللَّهِ ط

رو آرید همان طرف متوجه است الله (وجه خداست)

تفسیر : درباره قبله ، نصاری و یهود باهم اختلاف داشتند و هر یک قبله خود را بهتر میدانستند الله تعالی در این آیه فرمود که خداوند مخصوص به کدام طرف نیست بلکه از همه جهات و اما کن منزّه و مبرا است البته به حکم او به هر طرف که رو می آرید او تعالی متوجه است و عبادات شمارا می پذیرد . بعضی گفته اند که این آیه در باب نوافل است که هنگام سواری درسفر خوانده میشود یا درسفری که قبله مشتبه شده بود .

إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۱۱۹

هوائینه الله فراخ نعمت نیک داناست

تفسیر : رحمتش در همه جا عام است اختصاص به مقامی ندارد مصالح و ارادات و اعمال بندگان را خوب میداند که آنها را چه سود می بخشد و چه زیان میدهد بر وفق آن او امر صادر می فرماید آنگاه هر که به تمیل او امر واجتناب از نواهی پردازد مکافات و هر که مخالفت ورزد سزا داده میشود .

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ط

و گفتند گرفت الله فرزند از همه سخنان بالا است

بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

بلکه او راست هر چه در آسمانها و زمین است

كُلُّ لَهٗ قَانِتُونَ ۱۲۰ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ

همه وی را فرمان برانند نوآوردنده (بی سابقه) آفریدگار آسمانها

وَالْأَرْضُ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا

و زمین است و چون حکم کند کاری را (پس) جز این نیست

يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۱۱۷﴾

که گوید او را شو پس میشود

تفسیر : یهود حضرت عزیر (ع) و نصاری حضرت عیسی (ع) را پسر خدا می خواندند الله تعالی در این آیه سخنان آنها را تردید فرمود که خداوند از همه نقایض منزّه است بلکه همه آنها مملوک و مطیع و مخلوق او تعالی هستند .

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا

و گفتند آنانکه هیچ نمیدانند

يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَنْزِيلًا آيَةٌ ۚ

سخن نمیگوید با ما الله یا نمی آید بها کدام نشانه

تفسیر : اهل کتاب و مشرکان جاهل همه میگویند که الله تعالی چرا بلا واسطه به ما سخن نمیگوید یا چرا کدام علامتی نمی فرستد که ما رسالت را تصدیق کنیم .

كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

همچنین گفتند کسانی که از ایشان پیش بودند

مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ ۚ

مانند گفته ایشان مشابهت دارد دلهای آنها

قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٤﴾

هر آئینه بیان کردیم نشانه‌ها را برای گروهی که یقین میکنند

تفسیر : خداوند (ج) میفرماید این سخنان را تازه نیست پیشینیان نیز از پیخردی و نادانی خویش این سخنان را گفته بودند - کسانی که یقین دارند ما بایشان علائم حقیقت پیغمبر را بیان کردیم کسی که به دشمنی و مخالفت استوار است اگرانکار ورزد محض بر حسب عناد است

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۖ

هر آئینه ما فرستادیم ترا بحق مژده‌دهنده و ترساننده

وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٥﴾

و پرسیده نمی‌شوی از اهل دوزخ

تفسیر : اگر آنها مسلمان نشوند بر تو الزامی نیست

وَلَكِنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ

و هرگز خوشنود نمی‌شوند از تو یهود و نه نصاری

حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۖ

تا آنکه پیروی کنی دین ایشان را

تفسیر : یهود و نصاری بامرحمت ارتباطی ندارند آنها به عناد خویش اسوار اند و هیچگاه دین ترا نمی‌پذیرند بالفرض اگر تو بدین ایشان متابعت کنی خورسند می‌کردند چون این ممکن نیست از آنها توقع موافقت نباید کرد.

قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۖ

بگو هر آئینه رهنمائی خدا آنست راه راست

تفسیر : در هر وقتی آن هدایت شائسته اعتماد است که از طرف پیغمبر آن وقت تبلیغ شده باشد بنا بر این دین مبارک اسلام شائسته اعتماد است نه طریق یهود و نصاری .

وَلَئِنْ أَتَبَعْتَ أَهْوَآءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي
وامر (بالفرض) متابعت کنی آرزوهای ایشانرا بعد از آنکه

جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ
آمد ترا از دانش نیست ترا از (عذاب) خدا

مِنْ وَلِيِّيَ وَلَا نَصِيرٍ ۝۱۳۰
هیچ حمایت کننده و نه مدد گاری

تفسیر : این سخن بطریق فرض است یعنی بالفرض اگر حضرت پیغمبر (ص) چنین اقدامی نماید هیچکسی نباشد که از خشم الهی (ج) او را نجات داده بتواند یا تنبیه امت در نظر است مثلاً هر که ایمان آورد و از قرآن آگاه شود ، بعد از آن از اسلام بازگردد کسی نتواند که او را از عذاب الهی (ج) رستگار سازد .

الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ
آنانی که دادیم ایشانرا کتاب میخوانند آنرا

حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۝۱۳۱ اُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۝
حق تلاوتش آن گروه ایمان می آورند به آن

وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ
و هر که منکر گردد به آن پس آن گروه ایشانند

۱۳۱

الْخُسْرٰۤوْنَ ۱۳۱

زیان کاران

تفسیر : در یهود نیز یک دسته مردم مختصری بودند که انصاف داشتند و تورات را بدقت و امان نظر تلاوت کرده بقرآن ایمان آوردند مانند عبدالله ابن سلام و رفقای او رضی الله عنهم این آیت در شان ایشان است که تورات را بدقت مطالعه کردند و به موهبت ایمان نائل شدند کسی که از کتاب انکار ورزید یعنی در آن تحریف کرد خایب و خاسر شد .

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اِذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ

ای فرزندان اسرائیل بیاد آوید نعمت مرا

الَّتِيْ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنْتُمْ فَضَّلْتُمْ

که انعام کردم بر شما و آنکه من فضیلت دادم شمارا

عَلَى الْعٰلَمِيْنَ ۱۳۲ وَاَنْتُمْ اَيُّوْمًا لَا تَجْزِيْ

بر عالمیان (زمانه شما) و بترسید روزی را که کفایت نکند

نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْْءًا وَّلَا يُّقْبَلُ

هیچکسی از هیچکسی چیزی را و پذیرفته نشود

مِنْهَا عَدْلٌ وَّلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةُ

از وی بدل و سود ندهد او را شفاعت

وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿۱۳۳﴾

و نه ایشان یاری داده شوند

تفسیر : بعد از ذکر تمام احوالات آنها چیزیکه پیشتر بیاید بنی اسرائیل داده شده بود برای تنبیه و تاکید دوباره ذکر شد تا در اذهان ایشان کاملاً راسخ گردیده به هدایت مقرون شوند و آشکار شود که مطلب از ذکر داستان هدایت ایشان است .

وَإِذَا بَتَلَىٰ أَبْرَاهِمَ رَبُّهُ بِكَلِمَتٍ

و یاد کن هنگامیکه بیازمود یعنی امر کرد ابراهیم را پروردگارا و

بسخنی چند

تفسیر : چون اعمال حج - ختنه و دونیمه ساختن موی فرق سر - مسواک و غیره - وقتیکه حضرت ابراهیم (ع) تمام این احکام را بر طبق اوامر خدا و خلوص دل انجام داد خداوند او را پیشوای مردم ساخت .

فَاَتَمَّهُنَّ ۖ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ

پس به انجام رسانید آنها را گفت هر آینه من گرداننده ام ترا

لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ

برای همه مردمان پیشوا

تفسیر : که تمام پیغمبران از تو متابعت کنند .

قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۖ قَالَ لَا يَنَالُ

گفت و از فرزندان من گفت نه میرسد

عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿۱۳۴﴾

عهد (امامت) من ستمکاران را

تفسیر : بنی اسرائیل بسیار مغرور بودند و میگفتند ما فرزندان ابراهیمیم خداوند به ابراهیم وعده داده که پیغمبری و بزرگی در اولاد وی بماند ما پیرو دین اوئیم و همه احکام دین او را می پذیریم ، خداوند (ج) ایشانرا میدانند که وعده خدا درباره کسانیست که نیکو کردار باشند .

ابراهیم دو فرزند داشت مدتی بزرگی و پیغمبری در اولاد اسحق بود اکنون به فرزندان اسمعیل منتقل گردید ابراهیم درباره هر دو فرزند خود دعا کرده بود خدا (ج) میفرماید اسلام همیشه دین واحد بود و هست و همه پیامبران و امم ایشان به همین راه سپری شده اند .

این راه تسلیم به احکام است ، احکامیکه خدا بوسیله پیغمبران خویش فرستاده مسلمانان این راه را اختیار کردند و شما از آن بازگشتید در آیات سابق ذکر انعام بود این آیت ازاله شبهه است که بنی اسرائیل خود را امام و متبوع امام و برتر از جهانیان میدانستند و به کسی اقتفا و اتباع نمیکردند .

فایده : در ضمن وقایع بنی اسرائیل تاریخ و مناقب ابراهیم (ع) ذکر شد در ذیل تاریخ اوشان چگونگی و برتری کعبه در این آیات ذکر میشود و ضمناً چنانکه مفسران بیان کرده اند بریهود و نصاری نیز الزام است .

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَشَاجِدَ

مرجع

خانه کعبه را

و هنگامی که گردانیدیم

لِلنَّاسِ وَأَمْنًا ط

برای مردم و جای امن

تفسیر : هر سال مردمان در آنجا باراده حج اجتماع می نمایند هر که آنجا رود و ارکان حج را ایفا کند از عذاب جهنم مامون گردد یا در آنجا کسی به کسی تجاوز نمی نماید .

وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ط

نمازگاه

ابراهیم

مقام

از

و بگیرید

تفسیر : مقام ابراهیم سنگی است که حضرت ابراهیم بر آن می برآمد و بیت الله را آباد میکرد نقش قدم او بر آن سنگ پدیدار است ابراهیم بر آن ایستاد و مردم را به حج دعوت کرد این سنگ چون حجر الاسود از بهشت آورده شده اکنون (مطوفین را) حکم وجوبی نماز است نزد این سنگ و امر (کنار آمدن نماز مخصوص در اینجا) استحبابی میباشد

وَعَهْدُ نَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

و امر دادیم به ابراهیم و اسمعیل

أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي

که پاکسازید خانه مرا

تفسیر : در آنجا مردم کارهای بدنکنند و بی طهارت طواف نمایند و آنجا را از سایر الاشیات پاکدارند .

لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ

برای طواف کنندگان و اعتکاف کنندگان و رکوع

السَّجُّودِ ۱۲۹ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ

و سجدہ کنندگان و هنگامیکہ گفت ابراهیم ای پروردگار من

اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا

بگردان اینجارا شهر با امن

تفسیر : حضرت ابراهیم (ع) چون کعبه را بنیاد می نهاد دعا کرد که این میدان غیر معبور ، شهر مأمون و آباد باد ، و دعای وی مستجاب گردید .

وَأَرْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ

و روزی دمساکنان آنرا از میوها کسیکه ایمان دارد

مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ط

از ایشان بخدا و روز قیامت

تفسیر : در حق مؤمنان باشند که به دعانموده گفت آنها را میوه روزی کن!
در باره کافران دعانکرد تا آنجا از لوث کفر پاک بماند .

قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأَمَّتْهُ قَلِيلًا

گفت و کسیکه کافر شود بهره مند میگردانش اندکی

ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ط

باز ناچار گردانم او را بسوی عذاب آتش

وَيُؤْسُ الْمَصِيرُ ۝۱۳۶

و بد مرجع است

تفسیر : خداوند (ج) فرمود در دنیا به کافران نیز روزی داده میشود، و روزی چون امامت نیست که جز اهل ایمان دیگری را میسر نشود .

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ

و یاد کن آنگاه که ابراهیم بنیادهای

مِنَ الْبَيْتِ ۚ وَإِسْمَاعِيلُ ط رَبَّنَا تَقَبَّلْ

خانه کعبه را

و اسمعیل (دعا میگردند) ای پروردگار ما بپذیر

مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّيِّعُ الْعَلِيمُ ﴿۱۷۳﴾

از ما هر آینه تو تویی نیک شنوا دانا

تفسیر: خدمت بنای کعبه را از ما بپذیر تو دعای هر یک را میشنوی و بر نیت ها آگاهی

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ

ای پروردگارا بگردان مارا فرمان بران بخود و از

ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا

او لاد ما گروهی فرمانبر بخود و بنمای ما را

مَنَّا سَكَنًا وَنُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ

مناسک مارا (قواعد حج) و بپذیر توبه مارا هر آینه تو تویی

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۴﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ

پذیرنده توبه مهربان ای پروردگارا و بفرست

فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ

در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند برایشان

الْأَيْتَانَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ

آیتهای ترا و بیاموزد ایشانرا کتاب

وَالْحِكْمَةِ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ

و حکمت و پاک‌کننده ایشان را و هر آینه تو تویی

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٤١٥ (۱۳۹)

بسیار غالب بسیار با حکمت

تفسیر : ابراهیم و پسرش اسمعیل علیهما السلام هر دو به بارگاه خدا دعا کردند که جماعتی در فرزندان ما خلق کن ! تا او امر ترا اطاعت کنند و در میان آنها رسولی مبعوث کن ! که کتاب و حکمت را تعلیم دهد در اولاد این دو پیغامبر جز حضرت سرور کائنات دیگری موصوف باین صفات نیست این واقعه تخیلات گذشته یهود را باطل ساخت - علم کتاب آن مطالب و معانی ضروری است که از خود عبارت برمی آید - حکمت خفیات سرار و دقائق رموز می باشد .

وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ الْأَمَنُ

و کیست که باز گردد از دین ابراهیم مگر آنکه

سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا

به حماقت افکند خود را و هر آینه برگزیدیم او را در دنیا

وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ٤١٦ (۱۴۰)

و هر آینه او در آخرت از نیکان است

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمَ قَالَ أَسْلَمْتُ

یاد کن وقتی که گفت او را پروردگارش که منقاد شو گفت منقاد شدم ۱۰۵

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۳۶﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمُ

به پروردگار عالمان و وصیت کرد به آن (کلمه) ابراهیم

بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ ط يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ

پسران خود را و یعقوب هم که ای پسران من هر آینه خدا برگزید

لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُوا إِلَّا وَأَنْتُمْ

برای شما دین را پس هرگز نمیرید مگر در حالیکه شما

مُسْلِمُونَ ﴿۱۳۷﴾ ط

مسلمانان باشید

تفسیر : شرافت این ملت و مذهب مذکور گردید ، حضرت ابراهیم و یعقوب
علیهما السلام پسران خویش را توصیه نمودند تا از آن متابعت نمایند هر که
ازین راه منحرف شود به پیغمبران مذکور مخالفت می ورزد یهود دعوی
داشتند که یعقوب (ع) فرزندان خود را به یهودیت وصیت کرده ولی چنانچه
از آیت مابعد ثابت میگردد آنها دروغ میگویند .

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِيَّاهُ حَاضِرَ يَعْقُوبَ

آیا شما بودید حاضر آنگاه که پیش آمد یعقوب را

الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ

مرگ وقتی که گفت به فرزندان خود کرا می پرستید ۱۰۶

مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ

بعد از من گفتند می پرستیم معبود ترا و معبود

أَبَاكَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ

پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحاق اند

إِلَهًا وَاحِدًا ۖ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿۱۱۳﴾

معبود یگانه را و ما برای او منقادیم
تفسیر: هنگامیکه یعقوب (ع) وصیت نمود شما موجود نبودید، اودر باره متابعت ملت بیغمبران موصوف ارشاد نموده بود اما شما چنان کردید که یهود گفتند جز ما دیگران بردین حق نمی باشند و نصاری گفتند جز ما دیگران بردین حق نیستند از این جهت هر دو به مذهب حق (اسلام) مخالف شدیدند این بود افترای شما.

تِلْكَ أُمَمٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ

آن گروهی بودند که به تحقیق گذشتند آنها را است آنچه کردند

وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ ۖ وَلَا تُسْأَلُونَ

و شما را است آنچه کردید و پرسیده نمی شوید

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۴﴾

از آنچه ایشان می کردند

تفسیر: یهود و نصاری عقیده داشتند که اولاد درجایم والدین ما خود و در ثواب آنها شریک میباشند این درست نیست هر که کیفر کردار خود را می بیند چه زشت باشد چه زیبا.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا

و گفتند شوید یهود یا نصاری تاراه یا بید

تفسیر : یهود به مسلمانان می گویند دین مارا بپذیرید و نصاری میگویند دین مارا قبول کنید تا هدایت شوید .

قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ

بکوه رگزی بلکه پیروی میکنیم ملت ابراهیم را که (حنیف) یکجبهت بود و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۱۳۰

از مشرکان

تفسیر : ای محمد بگو گفته های شما هرگز شائسته قبول نیست مابهملت ابراهیم (ع) متابعت داریم آن ذات ستوده که ازادیان باطله برگزار و از آئین شرک بری بود ، درین آیه اشاره است که شما هر دو جنبه به شرک آلوده میباشید مشرکان عرب باوجودی که مدعیان دین ابراهیم بودند مشرک نیز بودند ازین آیه دعوی آنها نیز تردید نمیشد . انصافاً هیچ یک از این جنبه ها بر ملت ابراهیم نمی باشند جز اهل اسلام که بر آن استوار اند .

فایده : هر شریعت به سه حصه مشتمل می باشد .

(۱) اعتقادات چون توحید ، نبوت و غیره - در این قسمت تمام ارباب ادیان (حقه) موافق و انبازند و هیچگونه اختلاف و در آن دخی نیست .

(۲) قواعد کلیه شرعیه که منشأ فروع و جزئیات مسائل است این کلیات در تمام جزئیات مرعی و ملحوظ می باشد فی الحقیقت کلمه ملت بر همین اصول و کلیات اطلاق میشود ملت محمدی و ابراهیمی در این کلیات متحد و متوافقند .

(۳) مجموع کلیات و جزئیات و تمام اصول و فروع که آنرا شریعت مینامند خلاصه ملت حضرات محمد و ابراهیم علیهما السلام متحد و شریعت آنها علیحدده می باشد .

قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا

بگوئید ایمان آوردیم بخدا و آنچه فرود آورده شده بسوی ما ۱۰۸

وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَاسْمَعِيلَ

و آنچه فرود آورده شد به بسوی ابراهیم و اسمعیل

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ وَمَا

و اسحاق و یعقوب و اولاد یعقوب و آنچه

أَوْتَيْنَا مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ

داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شد

النَّبِيِّونَ مِنْ رَبِّهِمْ^ج لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ

دیگری پیغمبران را از جانب پروردگارشان تفریق نمیکنیم در میان

أَحَدٍ مِنْهُمْ^ص وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^{۱۲۱}

هیچیک از ایشان و ما به پروردگار منقادیم

تفسیر : ما به همه پیغمبران و کتب الهی ایمان داریم و همه را حق و راست می‌شناسیم - متابعت هر کدام در روزگار آن واجب است - ما فرمانبران خدائیم . احکام فرخنده الهی در هر روز گاری و بسویله هر پیغمبری که رسیده باشد ما آنرا واجب الاتباع می‌شماریم - برخلاف اهل کتاب که آنها جز دین خود تمام ادیان را دروغ می‌پندارند اگر چه دین ایشان منسوخ شده باشد و احکام انبیاء را تکذیب می‌کنند با وجود آنکه احکام انبیاء احکام خداوند (ج) است .

فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ

پس اگر ایمان بیاورند مثلیکه شما ایمان آوردید به آن

فَقَدْ اهْتَدَوْا^ج وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا

هر آئینه هدایت یافتند و اگر برگشتند پس جز این نیست که

هُمْ فِي شِقَاقٍ^ج فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ^ج

ایشان در خلاف اند پس کفایت کند ترا از شرایشان خدا

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ^ط

و او نیک شنوا داناست

تفسیر : از مخالفت و دشمنی آنها (یهود و نصاری) مترسید خداوند از شر

ایشان شما را نگره میدارد و هیچ فتوری بکارهای شما رسانیده نمی تواند

خداوند (ج) سخنان همه رامی شنود و بر احوال و اعمال و نیات مردم آگاهست .

صِبْغَةَ اللَّهِ^ج وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ

قبول کردیم رنگ خدا را و کیست بهتر از خدا

صِبْغَةً^ر وَنَحْنُ لَهُ عِيدُونَ^{١٣٦}

باغبان و رنگ (دین) و ما او را پرستندگانیم

تفسیر : از این آیات یهود اعراض کردند و دین اسلام را نپذیرفتند نصاری نیز انکار ورزیدند و استکبار کرده گفتند ما از رنگی است که مسلمانان آنرا فاقد اند ، نصاری رسم داشتند که یک نوع رنگ زرد ساخته نگه می کردند اگر فرزندی تولد میشد یا کسی دین ایشان را قبول میکرد او را در آن رنگ غوطه میدادند و می گفتند اکنون نصرانی پاک و خالص شد - خداوند (ج) فرمود :- ای مسلمانان بگوئید ما رنگ خدا یعنی دین حق را قبول کرده ایم هر که در آن داخل شود از هر گونه نجاست پاک و مطهر گردد .

قُلْ أَتُحَاكُّوُنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا

بگو آیا مخالفه می کنید با ما در شان خدا حال آنکه او پروردگار ما

وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

و پروردگار شماست و ما راست کردارهای ما و شما راست

أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾

کردار های شما و ما باو مخلصانیم (موحدان)

تفسیر : نزاع شما راجع به خدا و اینکه تصور میکنید که جز شما دیگری شایسته مهربانی او نمی باشد سخن بیسوده است وی تعالی چنانکه پروردگار شماست پروردگار ما نیز می باشد اعمال ما خالص برای خداست نه مانند شما که بزعم آبا و اجداد و بغرض تعصب و خواهشات نفس می باشد - بچه دلیلی دربارگاه خداوند (ج) اعمال شما پذیرفته شود و ازما اجابت نگیرد .

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ

آیا میگوئید هرآینه ابراهیم و اسمعیل

وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ

و اسحق و یعقوب و اولاد او

كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى قُلْ ءَأَنْتُمْ

بودند یهود یا نصاری بگو آیا شما

أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ

دانانترید یا خدا و کیست ستمگاتر از کسیکه پپوشد

شَهَادَةٌ عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ

شهادتی را که نزد او ثابت است از جانب خدا و نیست خدا

يَغَا فِیْ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۱۳﴾

بی خبر از آنچه می کنید

تفسیر : دعوی اهل کتاب که میگفتند ابراهیم و اسمعیل و دیگر پیغمبران علیهم السلام یهود و نصاری بودند کذب صریح است خداوند خود میفرماید (ماکان ابراهیم یهود یا ولا نصرانیا) اکنون بنمائید شما دانایان یا خدا .

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ

این گروهیست که به تحقیق گذشتند ایشان راست آنچه کردند

وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ

و شما راست آنچه کردید و پرسیده نمیشوید

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۴﴾

۱۳
۱۴

از آنچه ایشان میکردند

تفسیر : همین آیه پیشتر گذشت مگر چون اهل کتاب به نسب خویش مغرور بودند گمان میکردند که اعمال ما هر چه بد باشد پدران ما به ما آموزش میخوانند لهذا برای منع تخیلات بیپوده آنها این آیت تاکیداً تکرار گردید یا شاید در آیه سابق خطاب به اهل کتاب بوده باشد و در این آیت بامت مرحومه خطاب است که درین خیال فاسد با اهل کتاب متابعت نکنند زیرا هر کسی از بزرگان خویش ضرور چنین توقعی میداشتند باشد و این جز بی خردی و نادانی چیزی نباشد بعد از این حماقت دیگر یهود که در باب تحویل قبله چیزی می گفتند ظاهر میگردد .

۹۹ نام های الله قرار ذیل است ۱/۲

۳۳	الْعَظِيمُ
۳۴	الْغَفُورُ
۳۵	الشَّكُورُ
۳۶	الْعَلِيُّ
۳۷	الْكَبِيرُ
۳۸	الْحَفِیْظُ
۳۹	الْمُقِیْتُ
۴۰	الْحَسِیْبُ
۴۱	الْجَلِیْلُ
۴۲	الْكَرِیْمُ
۴۳	الرَّقِیْبُ
۴۴	الْمُجِیْبُ
۴۵	الْوَاسِعُ
۴۶	الْحَكِیْمُ
۴۷	الْوُدُودُ
۴۸	الْمَجِیْدُ

۱۷	الرَّزَّاقُ
۱۸	الْفَتَّاحُ
۱۹	الْعَلِیْمُ
۲۰	الْقَابِضُ
۲۱	الْبَاسِطُ
۲۲	الْخَافِضُ
۲۳	الرَّافِعُ
۲۴	الْمُعِزُّ
۲۵	الْمُذِلُّ
۲۶	السَّمِیْعُ
۲۷	الْبَصِیْرُ
۲۸	الْحَكَمُ
۲۹	الْعَدْلُ
۳۰	اللطیفُ
۳۱	الْخَبِیْرُ
۳۲	الْحَلِیْمُ

۱	الرَّحْمَنُ
۲	الرَّحِیْمُ
۳	الْمَلِكُ
۴	الْقُدُّوسُ
۵	السَّلَامُ
۶	الْمُؤْمِنُ
۷	الْمُهَیْمِنُ
۸	الْعَزِیْزُ
۹	الْجَبَّارُ
۱۰	الْمُتَكَبِّرُ
۱۱	الْخَالِقُ
۱۲	الْبَارِئُ
۱۳	الْمُصَوِّرُ
۱۴	الْغَفَّارُ
۱۵	الْقَهَّارُ
۱۶	الْوَهَّابُ

٨٣	الرَّؤُوفُ
٨٤	مَالِكُ الْمُلْكِ
٨٥	ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
٨٦	الْمُقْسِطُ
٨٧	الْجَامِعُ
٨٨	الْغَنِيُّ
٨٩	الْمُغْنِي
٩٠	الْمَانِعُ
٩١	الضَّارُّ
٩٢	النَّافِعُ
٩٣	النُّورُ
٩٤	الْهَادِي
٩٥	الْبَدِيعُ
٩٦	الْبَاقِي
٩٧	الْوَارِثُ
٩٨	الرَّشِيدُ
٩٩	الصَّبُورُ

٦٦	الْوَاحِدُ
٦٧	الْأَحَدُ
٦٨	الصَّمَدُ
٦٩	الْقَادِرُ
٧٠	الْمُقْتَدِرُ
٧١	الْمُقَدَّمُ
٧٢	الْمَوْخِرُ
٧٣	الْأَوَّلُ
٧٤	الْآخِرُ
٧٥	الظَّاهِرُ
٧٦	الْبَاطِنُ
٧٧	الْوَالِي
٧٨	الْمُتَعَالِي
٧٩	الْبَرُّ
٨٠	التَّوَابُ
٨١	الْمُنْتَقِمُ
٨٢	الْعَفُوُّ

٤٩	الْبَاعِثُ
٥٠	الشَّهِيدُ
٥١	الْحَقُّ
٥٢	الْوَكِيلُ
٥٣	الْقَوِيُّ
٥٤	الْمَتِينُ
٥٥	الْوَلِيُّ
٥٦	الْحَمِيدُ
٥٧	الْمُخْصِي
٥٨	الْمُبْدِئُ
٥٩	الْمُعِيدُ
٦٠	الْمُحْيِي
٦١	الْمُمِيتُ
٦٢	الْحَيُّ
٦٣	الْقَيُّومُ
٦٤	الْوَاجِدُ
٦٥	الْمَاجِدُ

در زیر نامهای ۲۶ پیغمبران گرامی را مشاهده میکنید که نامهایشان در قرآنکریم ذکر شده است

۱ - آدم ع

ادریس ع ۲	نوح ع ۲	هود ع ۴	صالح ع ۵
ابراهیم ع ۶	لوط ع ۷	اسماعیل ع ۸	الْحَقُّ ع ۹
یعقوب ع ۱۰	یوسف ع ۱۱	ایوب ع ۱۲	شعیب ع ۱۳
موسی ع ۱۴	هارون ع ۱۵	داود ع ۱۶	سُلَیْمَان ع ۱۷
یونس ع ۱۸	الیاس ع ۱۹	ایسح ع ۲۰	ذمی الکفل ع ۲۱
عزیر ع ۲۲	زکریا ع ۲۳	یحیی ع ۲۴	عیسی ع ۲۵

۲۶ - محمد (ص)

پنج پیغمبر ان اولوالعزم

۱ نوح ع

۲ ابراهیم ع

۳ موسیٰ ع

۴ عیسیٰ ع

۵ محمد ص

حضرت محمد (ص) و چہار یارانش

۱ حضرت ابوبکر
صدیق رض

۴ حضرت
علی
رض

حضرت
محمد
ص

۲ حضرت
عُمر
رض

۳ حضرت
عثمان رض



HOLY QURAN

With

Tafsire Kabuli

1